

به نام خدا



توه قضايه
دانشگاه علوم قضايي و خدمات اداري

جزوه کلاسی حقوق جزای عمومی تحلیلی

موضوع: بررسی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

استاد: دکتر عبدالعلی توجهی

نگارش: علیرضا فرمانی

تایپ: عرفان ریاسی، امیر حسین شبانی

نیم سال اول تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

فهرست مطالب

۳.....	متن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری.....
۹.....	جلسه اول.....
۱۴.....	جلسه دوم.....
۱۷.....	جلسه سوم.....
۲۰.....	جلسه چهارم.....
۲۴.....	جلسه پنجم.....
۲۹.....	جلسه ششم.....
۳۲.....	جلسه هفتم.....
۳۵.....	جلسه هشتم.....
۳۷.....	جلسه نهم.....
۳۹.....	جلسه دهم.....
۴۲.....	جلسه یازدهم.....
۴۶.....	جلسه دوازدهم.....
۴۹.....	جلسه سیزدهم.....
۵۲.....	جلسه چهاردهم.....

متن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری:

ماده ۱- مجازاتهای مقرر در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی به شرح زیر کاهش یافته یا تبدیل می شود:

الف- مجازات حبس موضوع ماده (۶۱۴) قانون (به استثنای تبصره آن) به حبس درجه شش؛

ب- مجازات حبس موضوع ماده (۶۲۱) قانون، در صورتی که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد به حبس درجه چهار و در غیر این صورت به حبس درجه پنج؛

پ- تبصره ماده (۶۲۱) قانون، نسخ و در مورد شروع به جرم آن مطابق ماده (۱۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ عمل می شود.

ت- مجازات حبس موضوع ماده (۶۷۷) قانون، در صورتی که میزان خسارت وارده یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا کمتر باشد به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده؛

ث- مجازات حبس موضوع ماده (۶۸۴) قانون به حبس درجه شش؛

ج- مجازات موضوع مواد (۶۰۸) و (۶۹۷) قانون به جزای نقدی درجه شش؛

ماده ۲- یک تبصره به شرح زیر به ماده (۱۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی الحاق می شود:

تبصره- چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می باشد.

ماده ۳- یک تبصره به شرح زیر به عنوان تبصره (۶) به ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ الحاق می شود:

تبصره ۶- تمام حبسهای ابد غیرحدی مقرر در قانون به حبس درجه یک تبدیل می شود.

ماده ۴- صدر ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح و بندها و تبصره‌های ذیل آن ابقاء می‌شود:

ماده ۲۳- دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری محکوم کرده است، با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی بندها و تبصره‌های این ماده محکوم نماید.

ماده ۵- ماده (۲۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۲۸- کلیه مبالغ مذکور در این قانون و سایر قوانین از تاریخ تصویب آنها در مورد تمام جرائم و تخلفات از جمله مجازات نقدی، به تناسب نرخ تورم اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی، هر سه سال یک‌بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت‌وزیران تعدیل و در مورد احکامی که بعد از آن صادر می‌شود، لازم‌الاجراء می‌گردد.

ماده ۶- ماده (۳۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود:

ماده ۳۷- در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف- تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات‌های درجه چهار و بالاتر؛

ب- تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه؛

پ- تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار؛

ت- تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال؛

ث- تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر؛

تبصره- چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود.

ماده ۷- یک تبصره به شرح زیر به ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ الحاق می‌شود:

تبصره- در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است. همچنین تعلیق مجازات جرائم علیه عفت عمومی (به جز جرائم موضوع مواد (۶۳۹) و (۶۴۰) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی) و کلاهبرداری و کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود و شروع به جرائم مقرر در این تبصره، بلامانع است. رعایت ماده (۴۶) این قانون در خصوص این تبصره الزامی است.

ماده ۸- یک تبصره به شرح زیر به ماده (۵۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ الحاق می‌شود:

تبصره- مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار، در صورت گذراندن یک چهارم مدت حبس قابل اعمال است.

ماده ۹- تبصره ماده (۶۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ با عنوان تبصره (۱) ابقاء و دو تبصره به عنوان تبصره‌های (۲) و (۳) به شرح زیر به آن الحاق می‌شود:

تبصره ۲- مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار نیز پس از گذراندن یک چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است.

تبصره ۳- قوه قضائیه می‌تواند برای اجرای تدابیر نظارتی موضوع این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن متهم یا محکوم تحت نظارت الکترونیکی قرار می‌گیرد، با نظارت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند. آیین نامه اجرائی این تبصره توسط معاونت حقوقی قوه قضائیه با همکاری مرکز آمار و فناوری و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۱۰- ماده (۷۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۷۲- تعدد جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از یک سال حبس باشد، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.

ماده ۱۱- ماده (۱۰۴) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود:

ماده ۱۰۴- علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حدّ قذف این قانون و جرائمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می‌باشند، جرائم مندرج در مواد (۵۳۶)، (۵۹۶)، (۶۰۸)، (۶۰۹)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۱)، (۶۴۷)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۳)، (۶۷۴)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰) در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد، (۶۹۲)، (۶۹۳)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹)، (۷۰۰)، (۷۱۶)، (۷۱۷) و (۷۴۴) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ و جرائم انتقال مال غیر و کلاهبرداری موضوع ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده (۳۶) این قانون بیشتر نباشد و نیز کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود در صورت داشتن بزه‌دیده و سرقت موضوع مواد (۶۵۶)، (۶۵۷)، (۶۶۱) و (۶۶۵) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ به شرطی که ارزش مال مورد سرقت بیش از دو بیست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال نباشد و سارق فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد و شروع و معاونت در تمام جرائم مزبور، همچنین کلیه جرائم تعزیری درجه پنج و پایین‌تر ارتكابی توسط افراد زیر هجده سال در صورت داشتن بزه‌دیده، مشمول تبصره (۱) ماده (۱۰۰) این قانون و ماده (۱۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ بوده و قابل گذشت است.

تبصره- حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد.

ماده ۱۲- ماده (۱۳۴) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح و چهار تبصره ذیل آن حذف می‌شود:

ماده ۱۳۴- در تعدّد جرائم تعزیری، تعیین و اجرای مجازات به شرح زیر است:

الف- هرگاه جرائم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت، دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدّد جرائم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند.

ب- در مورد جرائم مختلف، هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هر یک از آن جرائم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است.

پ- چنانچه جرائم ارتكابی مختلف، بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات هر یک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک‌چهارم آن تعیین کند.

ت- در تعدد جرائم درجه هفت و درجه هشت با یکدیگر، حسب مورد مطابق مقررات این ماده اقدام می‌شود و جمع جرائم درجه هفت و درجه هشت با درجه شش و بالاتر سبب تشدید مجازات جرائم اخیر نمی‌شود. در جمع این جرائم با جرائم درجه شش و بالاتر، به طور جداگانه برای جرائم درجه هفت و درجه هشت مطابق این ماده تعیین مجازات می‌شود و در هر صورت مجازات اشد قابل اجرا است.

ث- در هر یک از بندهای فوق، فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به موجبی از قبیل گذشت شاکی خصوصی، نسخ مجازات قانونی یا مرور زمان غیرقابل‌اجراء گردد، مجازات اشد بعدی اجرا می‌شود و در این صورت میزان مجازات اجراء شده قبلی در اجرای مجازات اشد بعدی محاسبه می‌شود. آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو در حکم اجراء است.

ج- در هر مورد که مجازات قانونی فاقد حداقل یا ثابت باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه می‌تواند تا یک ششم و اگر بیش از سه جرم باشد تا یک چهارم به اصل آن اضافه کند.

چ- در صورتی که در جرائم تعزیری، از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم می‌شود.

ح- هرگاه در قانون برای جرمی یکی از مصادیق مجازات‌های مندرج در مواد (۲۳) یا (۲۶) این قانون به‌عنوان مجازات اصلی مقرر شده باشد، آن مجازات در هر صورت اجرا می‌شود، حتی اگر مربوط به مجازات غیراُشد باشد. همچنین اگر مجازات اشد وفق ماده (۲۵) این قانون، فاقد آثار تبعی و مجازات خفیف‌تر دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات اصلی اشد، مجازات تبعی مزبور نیز اجراء می‌شود.

خ- در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف مجازات برای هر یک از جرائم، مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود.

د- در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود.

ماده ۱۳- ماده (۱۳۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۳۷- هرکس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازاتهای تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش گردد، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک‌چهارم آن محکوم کند.

ماده ۱۴- ماده (۱۳۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح و تبصره آن ابقاء می‌شود:

ماده ۱۳۹- در تکرار جرائم تعزیری، در صورت وجود جهات تخفیف مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می‌شود.

ماده ۱۵- متن زیر به ماده (۷۲۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ الحاق می‌شود:

عبارت «حداکثر مجازات کمتر از نود و یک روز حبس و یا» از بند (۱) ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ و عبارت «یا قانون» از صدر ماده (۱۲۷) این قانون حذف می‌شود و تبصره (۱) ماده (۱) و تبصره (۶) ماده (۵) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام و مصادیق خاص قانونی که در آنها برای شروع به جرم و معاونت در جرم مشخص تحت همین عناوین مجازات تعیین شده است و ماده (۶۶۶) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ و تبصره آن نسخ می‌گردد.

قانون فوق مشتمل بر پانزده ماده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و سوم اردیبهشت‌ماه یک‌هزار و سیصد و نود و نه مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۷ به تأیید شورای نگهبان رسید.

محمدباقر قالیباف

جلسه اول:

در قانون کاهش، همه مباحث کاهش نیست و در مواردی نیز بعضاً رویکرد افزایش وجود دارد. نظیر:

۱- کیفرهای تکمیلی را در تمام درجات می شود اعمال کرد؛ در حالیکه سابقاً در درجات ۱ تا ۶ قابل اعمال بود؛

۲- مثال دیگر اینکه اگر اشد، تبعی نداشته باشد، تبعی غیر اشد اجرایی می شود؛

۳- یا اینکه تکمیلی و تبعی غیر اشد ها اگر به عنوان کیفری اصلی داده شوند، همگی آنها اعمال می شود.

مقتن در پیش بینی کیفر، یک ملاک جامع و قابل دفاع ندارد.

ترک انفاق (درجه ۶) ماده ۵۳ ق. خانواده
تظاهر به قدرت با چاقو در خیابان هم درجه ۶ می باشد.

در قانون کاهش، آدم ربایی آمده درجه ۵ و به عنف درجه ۴
سرقت توأم با آزار هم درجه ۴ است.

نمونه دیگر اینکه مثلاً به قضات گفته شده است برای مجازات بیشتر از حداقل باید دلیل بیاوردند در حالیکه در دنیا می گویند برای مجازات حداکثر، دلیل لازم است.

جهات تشدید }
عام
خاص

جهات تشدید به ۲ اعتبار تقسیم شده اند:

۱- به اعتبار ارتکاب، نحوه وقوع و مرتکب
جهات عینی جهات شخصی (ماده ۵۹۶^۱)

۲- به اعتبار گستره و قلمرو در همه جرایم و در برخی از جرایم.
جهات عام تشدید جهات خاص

^۱ ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی:

«هر کس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوائج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیر تجاری از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصاحساب و یا هر گونه نوشته‌ای که موجب التزام وی یا برائت ذمه گیرنده سند یا هر شخص دیگر میشود بهر نحو تحصیل نماید علاوه بر جبران خسارت مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم میشود و اگر مرتکب ولایت یا وصایت یا قیمومیت بر آن شخص داشته باشد، مجازات وی علاوه بر جبران خسارات مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود.»

جهات عام تشدید: تعدد- تکرار- سردستگی

جهات خاص یعنی اینکه مرتکب در دو جرم یکی است و نحوه وقوع و ارتکاب هم یک است ولی مقنن به اعتبار نتیجه حاصله از جرم، مجازات را تشدید کرده است. مثلاً در منازعه (ماده ۶۱۵^۱) اگر منجر به ضرب و جرح بشود، فلان قدر مجازات و اگر منتهی به فلان بشود، فلان قدر مجازات خواهد داشت و این مجازات ها، فارغ از مجازات قاتل (قصاص) است.

مثال بعدی برای جهت خاص: بی احتیاطی در رانندگی اگر منجر به مرگ شود، کیفرش شدید تر و اگر منجر به وضع حمل پیش از موعد شود، کیفرش سبک تر است.

مثال بعدی مواد ۵۴۹^۲ و ۵۵۱^۳ تعزیرات (فراری دادن زندانی) که ربطی به نحوه ارتکاب جرم ندارد بلکه نتیجه حاصله، موضوعیت دارد (جهات خاص) و در این مباحث، با جهات عام کار داریم و نه با جهات خاص.

^۱ ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی:

«هر گاه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند هر یک از شرکت‌کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم میشوند:

- ۱ - در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود به حبس از یک تا سه سال.
 - ۲ - در صورتی که منتهی به نقص عضو شود به حبس از شش ماه تا سه سال.
 - ۳ - در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا یک سال.
- تبصره ۱ - در صورتی که اقدام شخص، دفاع مشروع تشخیص داده شود، مشمول این ماده نخواهد بود.
- تبصره ۲ - مجازاتهای فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد.»

^۲ ماده ۵۴۹ قانون مجازات اسلامی:

«هر کس که مأمور حفظ یا مراقبت یا ملازمت زندانی یا توقیف شده‌ای باشد و مساعدت در فرار نماید یا راه فرار او را تسهیل کند یا برای فرار وی تیبانی و مواضعه نماید به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد:

- الف - اگر توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است و یا زندانی به یکی از این مجازاتها محکوم شده باشد به سه تا ده سال حبس و اگر محکومیت محکوم علیه حبس از ده سال به بالا باشد و یا توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن حبس از ده سال به بالاست به یک تا پنج سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا اتهام توقیف شده غیر از موارد فوق الذکر باشد به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.
- ب - اگر زندانی محکوم به قصاص یا توقیف شده متهم به قتل مستوجب قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می‌شود و تا تحویل وی در زندان باقی می‌ماند و چنانچه متهم غیباً محاکمه و برائت حاصل کند و یا قتل شبه عمد یا خطئی تشخیص داده شود عامل فرار به مجازات تعیین شده در ذیل بند (الف) محکوم خواهد شد و اگر فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود چنانچه حکوم به قصاص باشد فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد.
- ج - اگر متهم یا محکومی که فرار کرده محکوم به امر مالی یا دیه باشد عامل فرار علاوه بر مجازات تعیین شده در ذیل بند الف ضامن پرداخت دیه و مال محکوم به نیز خواهد بود.»

^۳ ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی:

«اگر عامل فرار از مأمورین مذکور در ماده (۵۴۹) نباشد و عمداً موجبات فرار اشخاصی که قانوناً زندانی یا دستگیر شده‌اند را فراهم آورد به طریق ذیل مجازات خواهد شد:

- الف - چنانچه زندانی محکوم به اعدام یا حبس دایم یا رجم یا صلب بوده مجازات او یک تا سه سال حبس و اگر زندانی متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است مجازات از شش ماه تا دو سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا مجازات قانونی توقیف شده غیر از موارد فوق الذکر باشد مجازات او سه ماه تا یک سال حبس خواهد بود.
- ب - اگر زندانی محکوم به قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می‌شود و تا تحویل وی در زندان باقی می‌ماند. چنانچه فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد.»

تعدد:

ماده ۱۲ قانون کاهش ، ماده ۱۳۴ (اصلاحی) قانون مجازات اسلامی^۱:

شرایط تحقق تعدد:

۱- یک جرم مقدمه ضروری جرم دیگر نباشد.

مثلاً در مورد جرم آدم ربایی که فرد آدم ربا داخل خانه فرد دیگری رفته است و او را دزدیده است؛ فقط جرم آدم ربایی محقق است نه ورود به عنف و آدم ربایی زیرا ورود مقدمه ضروری بوده است. یا مثلاً تخریب در برای سرقت ، مجموعاً یک جرم سرقت است. یا مثلاً حمل مواد برای استعمال که مقدمه ضروری اش می باشد.

۲- جرم دوم با جرم نخست ، تلازم عرفی نداشته باشد.

مثلاً سرقت و نگهداری اموال مسروقه ، یک جرم است یا دو جرم؟ یا مثلاً جعل و استفاده از سند مجعول یا قتل و مخفی کردن جسد؟ این ها را اگر دو نفر انجام دهند روشن است که دو جرم است اما آیا تعدد است؟ گاهی اوقات خود قانون حکم این ها را روشن کرده است و تصریح نموده است که دو جرم است. مثل جرم پولشویی (در قانون) یا جعل و استفاده از سند مجعول (طبق رأی وحدت رویه^۲).

حالا جایی هم هست که نه قانون گفته باشد و نه رأی وحدت رویه ؟ مثلاً الف ، ب را کشته و دفن کرده است. در این جا و اینگونه موارد اگر قانون و رأی وحدت رویه ، تصریح به حکم کردند که مشکلی نیست و الا اگر ذاتاً تلازم عرفی داشته باشند ۱ جرم است و در غیر صورت تلازم عرفی ۲ جرم است و مشمول تعدد است.

مثلاً سرقت و اختفای مال مسروقه دارای تلازم عرفی بوده پس ۱ جرم است ولی اگر قاتل ، مقتول را آتش بزند ، ۲ جرم است زیرا تلازم عرفی نداریم. اما اگر سارق سرقت بکند و بعد از آن خانه را آتش بزند ، ۲ جرم است زیرا تلازم عرفی ندارد.

^۱ این ماده سابقاً در این جزوه در متن قانون کاهش ، ذکر گردیده است.

^۲ رأی وحدت رویه شماره ۶۲۴ ۱۳۷۷/۱/۱۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور:

«نظر به اینکه به موجب مواد ۷۵ تا ۸۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ برای جعل و استفاده از سند مجعول مجازات جداگانه تعیین شده و بعلاوه در ماده ۸۳ قانون مزبور نیز برای استفاده کننده از سند مجعول در مواردی که جاعل خود استفاده کننده باشد مجازات مقرر گردیده است بنابراین بر طبق مواد مزبور استفاده از سند مجعول عملی مستقل از جعل محسوب و نسبت به جاعل نیز بزه جداگان است بنا به مراتب دادنامه شماره ۶-۷۶،۲،۲۸-۶۷ که به موجب آن با رعایت تعدد و ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی برای جعل و استفاده از سند مجعول کیفرهای جداگانه تعیین شده صحیح و منطبق با موازین قانونی است این رأی که بر طبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری صادر گردیده در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد» .

- ماده ۶۶۲ منصرف از سارق است. پس اگر سارق سرقت بکند و مال مسروقه را بفروشد نمی گوئیم سرقت+ماده ۶۶۲ بلکه می گوئیم سرقت+انتقال مال غیر. هرچند در این رابطه ، نظر مخالف هم هست ولی ذات عمل سرقت تلازم با فروش وسایل مسروقه ندارد.

- مثلاً سرقت چک و چک کشیدن ۲ جرم است: ۱- سرقت چک. ۲- جعل (در صورت شبیه سازی) یا کلاهبرداری.

۳- مجموع جرایم در قانون عنوان خاصی نداشته باشد.

مثلاً سرقت مقرون به آزار که در ماده ۶۵۲ تعزیرات^۲ آمده است.

۴- نتایج و آثار متعدد حاصل از یک جرم نباشد.

مثلاً فحاشی به سرنشینان یک اتوبوس ، تعدد نیست یا مثلاً سرقت از انباری که وسایل ۱۰ نفر آنجاست.

۵- یک جرم قوام بخش جرم دیگر نباشد.

مثلاً سرقت مسلحانه بدون حمل سلاح نمی شود. یا همین طور محاربه یا سرقت مسلحانه.

سیستم های ناظر به تعدد:

۱- جمع مجازات ها } امتیاز: هیچ جرمی بدون مجازات نمی ماند.
ایراد: عدم امکان عملی و منطقی، مغایرت با عدالت و انصاف.

(مثلاً حبس ابد و اعدام-حبس ابد و دو سال تبعید)

۲- اعمال کیفر اشد } امتیاز: اشکالات جمع را ندارد.

ایراد: چراغ سبزی برای بزهکاران است.

۳- تشدید یا افزودن بر کیفر اشد } امتیاز: عاری از اشکالات قبل.

ایراد: مغایرت با عدل و انصاف.

^۱ ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی:

«هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان آور به اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت بدست آمده است آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از ششماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

در صورتیکه متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می گردد.»

^۲ ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی:

«هر گاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می گردد.»

مثلاً سه جرم داریم با ۲، ۳ و ۵ سال حبس.] جمع: ۱۰ سال حبس.
-اشد: ۵ سال حبس.
-تشدید: بالای ۵ و کمتر از ۱۰ سال.

نکته: تعدد از جهات تشدید مجازات است ولی فلسفه تعدد، تعدیل مجازات است جهت جلوگیری از تجمیع مجازات ها.

عملکرد مقنن در قبال تعدد:

الف- واکنش ها قبل خرداد ۹۲:

- ۱- تشدید مجازات (تعدد مادی مشابه ۴۷)
- ۲- مجازات جرم اشد (تعدد معنوی ۴۶)
- ۳- جمع مجازات (تعدد مادی مختلف)
- ۴- واکنش خاص: مثلاً مجموع مبالغ اختلاس و ارتشاء. انتهای بند ج ماده ۴۷ قانون صدور چک ۹۷: چنانچه مبادرت (مجموع مبالغ) ...

ب- تغییرات قانون در واکنش به تعدد در سال ۹۲:

- ۱- اشد در تعدد معنوی حفظ شد. (ماده ۱۳۱ ق.م.ا.)
- ۲- جمع مجازات حذف شد جز در تعزیر درجه ۷ و ۸. (تبصره ۴ ماده ۱۳۴ ق.م.ا.)
- ۳- تشدید ضابطه مند شد.
- ۴- واکنش های خاص حفظ شد.

ج- تغییرات در قانون کاهش ۹۹:

- ۱- اشد حفظ شد، یکی هم به آن اضافه شد.
- ۲- جمع مجازات حتی در تعزیری ۷ و ۸ هم حذف شد.
- ۳- ضابطه تشدید به هم خورد و اختیاری شد.
- ۴- واکنش های خاص حفظ شد.

جلسه دوم:

خلاف عدالت بودن جمع مجازات از این جهت است که اگر سیستم قضایی و انتظامی ما قوی بود، مجرم را پس از ارتکاب جرم اول می گرفت و دیگر نوبت به ارتکاب جرایم دیگر نمی رسید.

نمونه هایی از مجازات که صرفاً جرم اشد را مجازات می کنیم و چراغ سبزی است برای مجرمین:

در ارتکاب سرقت حدی و تعزیری که صرفاً مجازات سرقت حدی اعمال می شود و از این جهت برای سارق حدی فرقی ندارد که سرقت تعزیری هم مرتکب بشود یا خیر چون مجازات او، همان مجازات سارق حدی خواهد بود یعنی مجازات اشد. این مورد عاملی است برای گستاخ شدن و بی باکی مجرم.

آیا الآن در عمل جمع مجازات داریم؟ آیا صرفاً در تعزیرات داریم؟

بله داریم. مثلاً مجرم دارای یک فقره جرم است و به او تعلیق می دهیم و چنانچه یک جرم از درجه ۱ تا ۷ تعزیری را مرتکب بشود هم تعلیق او به هم می خورد و هم برای جرم جدیدی که مرتکب شده است، مجازات تعیین می کنیم و هم برای جرم تعلیقی. (جمع مجازات ها)

مثلاً کسی مرتکب جرم جعل می شود و به زندان می افتد و در زندان هم یک فقره جعل انجام می دهد. در اینجا مشمول تکرار می شود و مجازات جرایم نیز باهم جمع می شوند. (جمع مجازات ها)

نوآوری های قانون کاهش حبس تعزیری ۹۹ در قبال تعدد جرم:

مقنن بین جرایم مختلف و مشابه، تفاوت قائل شده است.

تا ۳ جرم که دارای حداقل و حداکثر باشند:

سال ۹۲=حکم به حداکثرها و اجرای اشد.

سال ۹۹=بیش از میانگین حداقل و حداکثر تا حد اکثر و اجرای اشد قضایی.

مثال: ۳ جرم داریم:	(۷ تا ۱)	(۵ تا ۲)	(۳ تا ۱۰)
	↓	↓	↓
در سال ۹۲ =	۷	۵	۱۰ و اجرای ۱۰.

در سال ۹۹=ابتدا بیش از میانگین حداقل و حداکثر را محاسبه می کنیم یعنی به ترتیب ذیل:

۴ سال و ۱ روز ۳/۵ سال و ۱ روز ۶/۵ سال و ۱ روز

طبق تبصره ۱۸ می بایست در هرکدام حکم به حداقل داد مگر اینکه دلیل داشته باشد به همین جهت در مثال بالا در مورد اول باید حکم به ۴ سال و ۱ روز بدهیم مگر اینکه دلیل خاصی وجود داشته باشد. بعد از آنکه به همین منوال در باب ۳ فقره جرم ارتكابی مجازات تعیین کردیم، هرکدام از مجازات ها که اشد شد،

آن اجرا می شود که بدان اشد قضایی گفته می شود. پس اگر اولی را ۷ بدهیم و بقیه را کمتر، ملاک اجرا همان ۷ خواهد بود که اشد قضایی می باشد.

تفاوت مجازات اشد و اشد مجازات چیست؟

اشد مجازات در خصوص یک جرم است ولی مجازات اشد یعنی اینکه چند مجازات است که شدید ترین آنها اعمال می شود.

تا ۳ جرم منتهی فاقد حداقل و حداکثر:

سال ۹۲=حکم به کیفر های ثابت تا به اضافه 1/4 و سپس اجرای اشد.

سال ۹۹=حکم به همان کیفر های ثابت و اجرای اشد. (+ اختیار قاضی در اضافه کردن 1/6 مجازات)

مثال: ۳ جرم با مجازات های	۸ سال	۱۰ سال	۱۲ سال
مطابق قانون سال ۹۲ =	۸ تا ۱۰ سال	۱۰ تا ۱۲/۵ سال	۱۲ تا ۱۵ سال: اجرای اشد
مطابق قانون سال ۹۹ =	۸ سال	۱۰ سال	۱۲ سال: اجرای اشد و اختیار افزودن 1/6 مجازات.

بیش از ۳ جرم دارای حداقل و حداکثر:

سال ۹۲= حکم به بیش از حداکثر ها تا 1/2 آن و اجرای اشد.

سال ۹۹=حکم به حداکثر ها و اجرای اشد + اختیار افزودن تا 1/4

بیش از ۳ جرم فاقد حداقل و حداکثر:

سال ۹۲=حکم به بیش از کیفر ثابت تا 1/2 آن و اجرای اشد.

سال ۹۹=حکم به کیفر ثابت و اجرای اشد + اختیار دادگاه در افزودن تا 1/4.

تعدد در جرایم تعزیری مشابه:

بند الف ماده ۱۳۴ اصلاحی ۹۹ مقرر می دارد: «الف- هرگاه جرائم ارتكابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می شود و در این صورت، دادگاه می تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدد جرائم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند...»

ذکر پنج نکته مهم:

۱- در جرایم تعزیری مشابه، صرفاً یک مجازات تعیین می کنیم چه یکسان باشند مثل سرقت ساده و سرقت ساده و چه همسان باشند (غیر یکسان) مثلاً سرقت ساده و سرقت مسلحانه.

۲- آن یک مجازاتی که تعیین می شود، اگر همگی یکسان باشد فرقی ندارد اما اگر برخی شدید باشد، باید حکم شود به مجازات گونه شدید تر.

در نتیجه در سرقت ساده و مسلحانه، حکم می شود به سرقت مسلحانه. به قول معروف «چون ۱۰۰ آید پس ۹۰ هم پیش ماست» در واقع مجازات اشد، مجازات اقل را در دل خود دارد. مضافاً در تبصره ۳ ماده ۱۹ ق.م.ا. ملاک را مجازات شدید تر دانسته است. اینکه در اینجا مجازات شدید تر را می دهیم یعنی مجازات شدید تر بین احکام و نه اینکه حداکثر آن مجازات ها را بدهیم.

مثال: ۴ سرقت داریم:	۶ ماه تا ۳ سال	} در اینجا ۵ تا ۱۵ شدید تر است و باید طبق ضابطه ۵ سال را بدهیم و اگر دلیل داشتیم برویم به سمت ۱۵ سال حبس.
	۱ سال تا ۵ سال	
	۳ سال تا ۱۰ سال	
	۵ سال تا ۱۵ سال	

۳- اعمال قواعد تعدد در موارد مشابه اختیاری است.

مثال: ۳ سرقت داریم: ۱ تا ۵ سال ۳ تا ۱۰ سال ۵ تا ۱۵ سال

اگر بخواهیم تعدد را اعمال بکنیم می شود بین اقل و اکثر اشد تا اکثر یعنی:

$۵+۱۵=۲۰$	$۲۰ \div ۲=۱۰$	بین ۱۰ تا ۱۵ سال
-----------	----------------	------------------

مثال: حال اگر ۴ سرقت داشتیم:	} ۶ ماه تا ۳ سال	
		۱ تا ۳ سال
		۱ تا ۵ سال
		۵ تا ۱۵ سال

اگر بخواهیم تعدد را اعمال کنیم که بیشتر از ۴ جرم است، حکم به حداکثر کرده و اختیار به افزودن تا $\frac{1}{4}$ را داریم.

۴- اختیاری بودن اعمال قواعد تعدد در جرایم زمانی است که مشابه بماهیم مشابه باشند و الا در صورت اجتماع با مختلف، الزامی است.

جرم ۴	کلاهبرداری	۱ تا ۷ سال : ۷ و اختیار افزایش تا 1/4
	سرقت	حداکثرش یعنی ۱۰ و می توانیم تا 1/4
	سرقت	به آن اضافه نماییم.
	سرقت	۱ تا ۳ سال
	سرقت	۱ تا ۵ سال
	سرقت	۱ تا ۱۰ سال

۵- ملاک مشابه و مختلف بودن چیست؟

اجمالاً بدانیم که گونه های مختلف یک جرم، جرایم مرتبط با یک جرم، مثل شروع به جرم و معاونت و... همه مشابه هستند. پس کلاهبرداری ساده و مشدد مشابه اند؛ همچنین سرقت ساده و مسلحانه هم مشابه اند.

جلسه سوم:

ملاک مشابه و مختلف بودن: یکسان یا یک نوع، قسیم مشابه است نه خود مشابه. در ماده ۴۷ ق.م.ا. سال ۷۰ همین بحث مشابه و مختلف را داشتیم و ماده ۴۶ بحث تعدد معنوی بود و ۴۷ تعدد مادی که هم مشابه داشت و هم مختلف؛ در تعدد مادی مشابه گفته بود ۱ مجازات تعیین می کنیم و می تواند موجب تشدید باشد ولی در تعدد مادی مختلف گفته بود برای هر جرمی ۱ مجازات و آن زمان بحث جمع مطرح بود نه اشد و به همین علت از سال ۷۰ تا ۹۲ رویه با مشابه و مختلف سروکار دارد.

می توان مدعی شد که حداقل گونه های مختلف یک جرم مثلاً اقسام سرقت و جرایم مرتبط با یک جرم مثلاً شروع و معاونت، اینها همه مشابه هستند. الان فقط چک پرداختی نشدنی است که با جمع شرایطی می شود کیفری طبق ماده ۳. مثلاً وعده دار نباشد، تضمینی نباشد، بابت تعهد نباشد و...

حدود ۱۰ سال در ایران (از آبان ۷۲ تا شهریور ۸۲) نه تنها چک های پرداخت نشدنی بلکه چک های وعده دار هم کیفری بود؛ ق. چک از تیرماه ۵۵ آمده تا الان حدود ۱۲ بار تغییرات مهمی داشته است که یکی از این تغییرات در آبان ۷۲ می باشد. این تغییرات ۱۰ سال مهمان قوانین ایران بود از آبان ۷۲ تا شهریور ۸۲. بعد از آن گفته شد که وعده دار ها کیفری نیست. این چکوک اگر پرداخت نشدنی بود در ماده ۳ بود و کیفرش هم در ماده ۷ و وعده دار ها در ماده ۱۲ بود و تضمینی همچنین.

سوال محاکم این بود که می گوئید مشابه یعنی همه باید پرداخت نشدنی باشند یا مثلاً می شود ۲ چک تضمینی و ۲ چک پرداخت نشدنی را مشابه بدانیم؟

رأی وحدت رویه ۶۰۸ (۱۳۷۵/۶/۲۷) گفت که صدور چک بلامحل، وعده دار، تضمینی و... موضوع مواد ۳-۷-۱۰ قانون چک از سوی ۱ نفر مشابه محسوب می گردد.

پس اقسام چک همه مشابه اند و از این رأی وحدت رویه می فهمیم که منظور از مشابه یک نوع نیست و طبق این رأی وحدت رویه خصوصاً در آنجایی که گفته (و غیره) همه ی انواع و اقسام یک جرم، مشابه محسوب می شوند. (در مقابل مختلف)

تکرار جرم ماده ۲۵ سال ۵۲ اگر تکرار خاص مرتکب می شد یک مجازات و اگر تکرار عام می شد، یک مجازات داشت؛ تکرار خاص یعنی تکرار همان جرم مثل سرقت- سرقت و تکرار عام مثل سرقت-قتل-جعل. ماده ۲۵ می گفت اگر تکرار خاص مرتکب شود بار دوم تا دو برابر مجازات می شود ولی تکرار عام تا ۱/۵ برابر و فلسفه تقنین این بود که تکرار خاص، عادت می شود ولی تکرار عام شاید تصادفی بوده است؛ لیکن جرم شناسی می گوید تکرار عام خطرناک تر است زیرا فرد مرتکب، به اصطلاح همه فن حریف می شود.

در تبصره آمده: جرائم سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، ارتشاء، اختلاس و... از حیث تکرار نظیر هم محسوب می شوند زیرا موضوع شان مالی است و در یک رأی وحدت رویه در سال ۷۷ داریم که شروع به کلاهبرداری و کلاهبرداری، مشابه محسوب می شوند؛ سال ۷۱ ارتکاب یک جرم کامل و یک فقره شروع به آن مشابه اند یا مثلاً معاونت در جرم و جرم تام همان جرم مشابه اند در حالیکه قبل از ۷۰ داشتیم سرقت و شروع به سرقت دو جرم هستند.

نظریه مشورتی ۷/۲۴۷۹ (۸۳/۴/۷): «به استناد ماده ۴۷ در جرائم از یک نوع و یا جرائم مشابه منحصراً یک مجازات تعیین می شود». پس در اینجا مشابه را همسان گرفته نه یکسان؛ نظریه مشورتی ۷/۴۶۳۰ (سال ۸۷): «کشف آثار مستهجن، تکثیر و توزیع آن ها جرائم مشابه تلقی می شوند».

عرف و دکترین حقوقی نیز جرائم مشابه و گونه های مختلف یک نوع را مشابه می دانند نه مختلف. الان جرایمی که در حکم جرم دیگری هستند با آن جرم اصلی مشابه محسوب می شوند اما اینکه چند جرم در یک ماده جرم انگاری شده است، دلیل مشابه بودن نیست.

فرض کنید که ۱۰ فقره سرقت با گونه های مختلف داریم که در اینجا یک مجازات تعیین می شود حال اگر آن مجازات اشد در مرحله اجرا عفو خورد یا مشکلی پیش آمد، سراغ مجازات های بعدی نمی رویم.

نکته: عفو در حکم اجرا است و سراغ مجازات های بعدی نمی رویم.

در قانون مجازات ۹۲ تعدد، برای درجات ۱ تا ۶ تعزیری بود؛ به چه دلیل؟

قبل از انقلاب، تعدد در ماده ۲۰ برای جنایات و جنحه بود نه امور خلافی و سال ۹۲ هم برای تعزیری درجه ۱ تا ۶ بود نه ۷ و ۸. چون که رسالت تعدد، تعدیل مجازات است فلذا ۱ تا ۶ که سنگین بود را مشمول تعدد کرد جهت اجرای اشد و ۷ و ۸ را هم با خودشان و هم با اشد ۱ تا ۶ جمع می کردیم تا اینکه مشکلی پیش آمد و آن این بود که:

فرض کنید الف معاون در جرم است و ب مجرم ۲۰ فقره جرم است که همگی آنها درجه ۶ (۶ ماه تا ۲ سال حبس) است که طبق قانون ۹۲، حداکثر ۳ سال حبس داشتیم برای مباشر(طبق ۹۲: بیش از ۳ جرم دارای اقل و اکثر = حکم به بیش از حداکثرها تا $\frac{1}{2}$ آن و اجرای اشد) و فرضاً دادگاه یک درجه به معاون تخفیف می داد و درجه ۷ می شد یعنی حداکثر ۶ ماه و چون درجه ۷ و ۸ با هم جمع می شوند، ۲۰ جرم ۶ ماهه می شود ۱۰ سال حبس. یعنی معاون ۱۰ سال حبس، مباشر ۳ سال حبس!!!

به همین علت و برای رعایت عدالت و انصاف مقنن ۷ و ۸ را مشمول قواعد تعدد قرار داد با ۴ نکته:

۱- این جرایم تعدد ساز بوده و تابع ضوابط حاکم بر تعدد جرم هستند.

۲- این جرایم در صورت شمول تعدد، موجب تشدید مجازات نسبت به خود و یکدیگر می شوند.

یعنی مثلاً اگر ۵ تا درجه ۷ یا ۱۰ تا درجه ۸ داشتیم، این ها موجب تشدید هم می شوند یعنی ۷ باعث تشدید ۸ می شود؛ حال اگر یک ۷ و یک ۸ داشتیم (از نوع مختلف) هر کدام را به بیش از میانگین حکم می دهیم.

۳ تا درجه ۸ مختلف = باز هم به بیش از میانگین

۴ تا درجه ۸ مختلف = حداکثر مجازات و اختیار افزایش تا $\frac{1}{4}$

۳- این جرایم در صورت اجتماع با جرایم تعزیری درجه ۶ و بالاتر موجب تشدید آن جرائم نمی شوند.

نکته مهم: اما ۱ تا ۶ موجب تشدید ۷ و ۸ می شوند چون در بند ۱ داشتیم ۷ و ۸ تابع ضوابط تعدد هستند و فقط نکته ۳ ام را استثناء کردیم.

*یک جرم درجه ۶ و یک جرم درجه ۸ مختلف = ۸ را بیش از میانگین می دهیم و ۶ را همان حداقل می دهیم و اگر دلیل داشتیم می آئیم بالاتر بدون تشدید.

*دو تا درجه ۶+یک درجه ۷+یک درجه ۸ = درجه ۷ و ۸ را باید حداکثر بدهیم اما ۶ ها را بیش از میانگین می دهیم چون که عامل تشدید ۶ ها فقط ۲ تاست ولی عامل تشدید ۷ و ۸، ۴ تاست (ناظر به نکته سوم)

*دوتا ۷ +دوتا ۶+دوتا ۵ = (۲ تا ۲ تا باهم مشابه اند): برای ۲ تا ۷ که مشابه اند یک مجازات + برای ۶ ها یک مجازات + برای ۵ ها هم یک مجازات = سپس ۲ تا ۷ حداکثر ، ۲ تا ۶ هم حداکثر و ۲ تا ۵ هم حداکثر.

*دوتا ۷+یک ۶+یک ۵ =دوتا ۷ =حداکثر ، برای ۵ و ۶ می شود بیش از میانگین تا حداکثر.

۴- در صورت محکومیت به این جرایم و یا اجتماع آن با سایر جرایم تعزیری در هر صورت تنها کیفر اشد اجرا می شود.(حذف جمع مجازات ها در قبال آن)

انجام یک رفتار و نتایج مجرمانه متعدد:

تبصره ۱ ماده ۱۳۴ ق ۹۲: اعمال قواعد تعدد مادی.

بند چ ماده ۱۲ ق ۹۹: صدور حکم به مجازات جرم اشد(در واقع با این رفتار شبیه به تعدد معنوی رفتار می شود با اینکه تعدد مادی است نه معنوی)

در تعدد معنوی یک رفتار است که دو یا چند عنوان مجرمانه دارد مثلاً کشیدن چادر از سر زن مسلمان =سرقت +توهین =مجازات جرم اشد اعمال می شود.

رفتار واحد و نتایج مجرمانه متعدد و مثال هایش را در جلسه بعد بررسی می کنیم.

جلسه چهارم:

دوتا ۸ ، دوتا ۷ ، دوتا ۶ و هر شش جرم نیز مشابه هستند ، تکلیف چیست؟

چون مشابه اند صرفاً یک مجازات تعیین می کنیم (با هر درجه ای که باشد) و آن مجازات شدید تر است یعنی درجه ۶. حال اگر بخواهیم قواعد تعدد را اعمال کنیم ۷ و ۸ در اینجا خنثی هستند چون باعث تشدید درجه ۶ نمی شوند و چون دو جرم داریم پس اعمال قواعد تعدد می شود: بیش از میانگین تا حداکثر درجه ۶.

بند «چ» ماده ۱۲ قانون کاهش مقرر می دارد: «در صورتی که در جرائم تعزیری، از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم میشود.»

ماده ۱۳۱ ق ۹۲: «در جرایم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می شود.»

مقنن می گوید اگر یک رفتار مشمول ۲ عنوان باشد فقط ۱ مجازات تعیین می کنیم.

اگر شخصی را به قصد قتل، در جایی بی آب و غذا حبس کنیم و پلیس نجاتش بدهد، هم شروع به قتل است و هم توقیف غیرقانونی که طبق ماده ۱۳۱ ق.م.ا. به مجازات جرم اشد محکوم می‌نمائیم. حال در مقام اجرا اگر به عللی از قانون، مجازات جرم اشد، غیرقابل اجرا شد، دیگر مجازاتی نداریم و ماجرا تمام می‌شود چون صرفاً ۱ رفتار داشتیم. (تعدد معنوی)

تبصره ۱ ماده ۱۳۴ سابق: «در صورتی که از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود طبق مقررات فوق عمل می‌شود.» (یعنی طبق تعدد مادی).

اما اکنون در قانون کاهش داریم که یک رفتار و نتایج مجرمانه متعدد = مجازات جرم اشد! یعنی اینکه ماهیت آن تعدد معنوی نیست بلکه با آن، مثل تعدد معنوی رفتار می‌شود.

مثال برای رفتار واحد و نتایج مجرمانه متعدد:

۱- پرتاب نارنجک به قصد تخریب دیوار و سقط جنین زن حامله.

۲- ریختن سیانور در استخر ماهی با دو هدف: هم ماهی‌ها بمیرند (اتلاف) هم گیاهانی که از این آب، آبیاری می‌شوند خشک بشوند (تخریب).

۳- کشیدن چادر از سر زن مسلمان هم توهین و هم سرقت است.

مجازات جرم اشد را در دو جا داریم:

۱- تعدد معنوی

۲- جایی که از یک رفتار، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود.

در تعدد معنوی اگر اشد قابل اجرا نبود، نوبت مجازات بعدی نیست پس در قانون ۹۲ می‌گفتیم رفتار واحد و نتایج مجرمانه متعدد = برای هر کدام یک حکم و اجرای اشد و در صورت تعذر از اجرای اشد = اجرای اشد بعدی؛ اما الآن فقط به یک مجازات محکوم می‌کنیم و از آنجایی که فقط یک حکم داریم در صورت تعذر از اجرای آن، دیگر بعد از آن مجازاتی برای اجرا نداریم.

در تعدد معنوی در عالم خارج ۲ جرم محقق نمی‌شود بلکه ۱ جرم محقق می‌شود ولی ۲ تا اسم دارد؛ اما در رفتار واحد و نتایج مجرمانه متعدد ۲ تا جرم در عالم خارج به وقوع پیوسته است مثلاً تخریب دیوار + سقط جنین.

اگر یک اتوبوس چپ بکند و باعث ۱ کشته + ۱ مجروح + ۱ سقط بشود = ۱ جرم محقق شده است که افراد ضعیف و قوی دارد و فرد شدید تر ملاک است یا مثلاً منازعه ای رخ داده است ۱ کشته + ۲ مجروح = صرفاً یک منازعه رخ داده است.

اجتماع تعدد و تخفیف:

در قانون سال ۷۰ داشتیم که اگر تعدد جرم در کار بود، دیگر تعلیق نداریم. ولی الآن ۱۰۰ جرم متعدد هم اگر مجرم مرتکب بشود، باز هم تعلیق اعمال می شود تحت شرایطی.

در قانون سال ۹۲ گفته شده بود که در تخفیف برای تعدد تا میانگین می توانیم تخفیف دهیم و اگر اکثر و اقل نداشت تا نصف می توانیم تخفیف بدهیم.

۳ جرم: ۱ تا ۳ + ۱ تا ۵ + ۱۰ تا ۱ و هر ۳ دارای جهات تخفیف: به ترتیب می شود تا ۲ سال + تا ۳ سال + تا ۵/۵ سال.

ما تا سال ۹۹ سه صورت تخفیف داشتیم:

۱- تخفیف خاص. (مثل نیروهای مسلح / ماده ۳۸ مواد مخدر^۱ / ماده ۹۳ ناظر به اطفال و نوجوانان^۲)

۲- تخفیف توأم با تشدید. (تخفیف با تعدد یا تکرار (تامیانگین))

۳- تخفیف صرف. (ماده ۳۷^۳)

در سال ۹۹ این شیوه برداشته شد و در بند «خ» ماده ۱۲ قانون کاهش^۴، مقنن تخفیف توأم با تشدید را برداشت که خلاف حکمت و موازین حقوقی است اما غیر از این، ۲ اشتباه دیگر نیز داریم که ذیلاً بررسی می کنیم.

^۱ ماده ۳۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن: «دادگاه می تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازاتهای تعزیری مقرر در این قانون را تا نصف حداقل مجازات آن جرم تخفیف دهد در صورتی که مجازاتی فاقد حداقل باشد همان مجازات تا نصف تخفیف می یابد. میزان تخفیف در احکام حبس ابد ۱۵ سال خواهد بود و در مورد مجازات اعدام تقاضای عفو و تخفیف مجازات به کمیسیون عفو ارسال خواهد شد.

تبصره - کلیه محکومینی که پس از صدور حکم به نحوی با نیروی انتظامی یا سازمان عمل کننده همکاری نمایند و اقدام آنها منجر به کشف شبکه ها گردد دادگاه صادر کننده رای می تواند با تقاضای نیروی انتظامی و یا سازمان عمل کننده بر اساس اسناد مربوطه، مجازات وی را ضمن اصلاح حکم سابق الصدور تا نصف تخفیف دهد.»

^۲ ماده ۹۳ قانون مجازات اسلامی: «دادگاه می تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازاتها را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید.»

^۳ ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی: «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف - تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه

ب - تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

پ - تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

ت - تقلیل سایر مجازاتهای تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر.»

^۴ بند «خ» ماده ۱۲ ق. کاهش: «در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف مجازات برای هر یک از جرائم، مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام میشود.»

بررسی دو اشتباه:

طبق بند «خ» ماده ۱۲ قانون کاهش داریم: فلانی با ۱۰۰ جرم دارای تخفیف مساوی با مجرم مرتکب یک جرم است. در بند «خ» گفته مطابق ماده ۳۷ و ۳۸ تخفیف اعمال می شود؛ اما این ارجاع ۲ مشکل دارد:

۱- نوجوانی با ۴ جرم و کیفیات مخففه را نباید طبق ۳۷ تخفیف داد؛ بلکه باید طبق ماده ۹۳ ق.م.ا. تخفیف بدهیم یا مثلاً مواد مخدر را طبق ماده ۳۸ مواد مخدر یا نیروهای مسلح را طبق قوانین خاص خودشان و یا اینکه در جرم اسیدپاشی، باید طبق ماده ۳ اسیدپاشی^۱ تخفیف بدهیم. در نتیجه اینکه مقنن گفته است مطابق ماده ۳۷، کاملاً غلط است و مقنن می خواسته است بگوید که تخفیف مجرم تعدد مثل تخفیف صرف است و استنادش به ۳۷ غلط است و استنادش به ۳۸ هم غلط است.

چون تخفیفی که به تعدد اسیدپاشی یا مواد مخدر می دهیم اگر طبق ماده ۳۷ باشد، کمتر از تخفیفی است که به مجرم واحد می دهیم (بدون تعدد) به همین علت، ارجاع کلی به ماده ۳۷ غلط است.

ارجاع به ماده ۳۸ نیز ایراد این چنینی دارد چون که: صرف جهات تخفیف در ماده ۳۸ نیست بلکه توبه (ماده ۱۱۵) یا مثلاً رعایت قرارهای نظارت (ماده ۲۵۳ ق.آ.د.ک.) هم وجود دارد؛ پس چون که تمام جهات تخفیف در ۳۸ نیست، استناد به آن ناقص است + اینکه استناد به ۳۷ هم غلط است زیرا تمام تخفیف طبق ۳۷ نیست پس پیام ماده این است که:

در صورت تعدد و دارا بودن جهات تخفیف، تخفیف توأم با تعدد مساوی است با تخفیف صرف که در شرایط معمولی می شود ماده ۳۷ و در موارد خاص همان قانون خاص را شامل می شود.

اجرای کیفر اشد قضایی که در کلیه فرض تحقق تعدد حتی در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ با خود، با یکدیگر و سایر جرایم تعزیری. پس الان در همه جای تعزیرات اشد داریم و اگر غیرقابل اجرا بود = بعدی اجرا می شود با احتساب طبق ماده ۲۷.^۲

^۱ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن، ماده ۳: «در مورد جرائم موضوع این قانون و شروع به آن، مقررات مربوط به آزادی مشروط، تعلیق و تخفیف مجازات قابل اعمال نیست مگر آنکه بزه دیده یا اولیای دم نسبت به مجازات تعزیری مرتکب نیز اعلام گذشت کرده باشد که در این صورت دادگاه می تواند مجازات مرتکب را یک درجه تخفیف دهد.»

^۲ ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی: «مدت حبس از روزی آغاز می شود که محکوم، به موجب حکم قطعی لازم الاجراء حبس می گردد. در صورتی که فرد، پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده مطرح بوده بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی در حکم محاسبه می شود. در صورتی که مجازات مورد حکم، شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت، معادل سه ضربه شلاق یا سیصد هزار (۳۰۰,۰۰۰) ریال است. چنانچه مجازات متعدد باشد به ترتیب نسبت به حبس، شلاق و جزای نقدی محاسبه می گردد.»

(به موجب مصوبه مورخ ۱۶ آبان ۹۵ هیات وزیران، مجازات نقدی بدل از حبس، مندرج در ماده (۲۷) قانون مجازات اسلامی - مصوب ۱۳۹۲ - از مبلغ سیصد هزار (۳۰۰,۰۰۰) ریال به مبلغ چهارصد هزار (۴۰۰,۰۰۰) ریال تعدیل شده است.)»

جلسه پنجم:

اگر مثلاً ۱۵ نفر موبایل خود را در بسته ای قرار بدهند و آن بسته را جایی بگذارند و شخصی کل انباری را خالی کند و آن ۱۵ موبایل را نیز بدزدد نیز ، صرفاً یک فقره سرقت است با نتایج متکثر.

در تعدد معنوی یک نتیجه داریم با ۲ اسم که چون مقنن بی دقت است ،اسمش ۲ تاست ولی در مادی در عالم خارج واقعاً یک جرم واقع می شود. (۲ نتیجه مجرمانه مجزا)

عنوان قانون ۹۹ ، کاهش است ولی چند مورد افزایش نیز داریم مثلاً الآن به جرم درجه ۸ می توانیم تکمیلی بدهیم در حالیکه سابقاً مختص جرایم درجه ۱ تا ۶ بود.

بررسی اعمال مجازات های تبعی:

*تصریح به لزوم اجرای مجازات تبعی مربوط به کیفر اشد بعدی همراه با مجازات اشد در صورتی که کیفر اشد فاقد تبعی باشد (بند ح ماده ۱۲^۱)

طبق قانون سابق اگر ۱ جزای نقدی درجه ۲ داریم و ۱ حبس درجه ۵ ، قطعاً مجازات اشد یعنی درجه ۲ اجرا می شد و تغییری که در قانون کاهش پدید آمده است این است که اشد اجرا می شود و اگر تبعی نداشت ، تبعی غیر اشد هم اجرا می شود منتها ایراد این است که می گوئیم حبس درجه ۵ تبعی دارد ولی جزای نقدی میلیاردی درجه ۱ تبعی ندارد یا مثلاً برای کوچک ترین جرایم (درجه ۸) حبس قرارداده اند ولی برای درجه ۱ ، گاهی جزای نقدی داریم نه حبس. پس وقتی که پذیرفته ایم درجه ۱ شدید تر است باید برای همان ۱ تبعی می داشتیم نه مثلاً برای درجه ۵.

حال چونکه مقنن تبعی هارا فقط برای حبس پیش بینی کرده است و آن هم تا حبس درجه ۵ ، فلذا جزای نقدی هرچه باشد تبعی نخواهد داشت.

*تصریح به لزوم اجرای مجازات های تکمیلی و تبعی که به عنوان مجازات های اصلی در محکومیت های غیر اشد مقرر گردیده همراه با مجازات اشد در کلیه فروض تعدد جرم (بند ح ماده ۱۲ ق. کاهش)

^۱ ح- هرگاه در قانون برای جرمی یکی از مصادیق مجازات های مندرج در مواد (۲۳) یا (۲۶) این قانون به عنوان مجازات اصلی مقرر شده باشد، آن مجازات در هر صورت اجراء می شود، حتی اگر مربوط به مجازات غیر اشد باشد. همچنین اگر مجازات اشد وفق ماده (۲۵) این قانون، فاقد آثار تبعی و مجازات خفیف تر دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات اصلی اشد ، مجازات تبعی مزبور نیز اجراء میشود.

این تکلیف خیلی سنگین است و می‌گوید اولاً اشد در هر صورت اجرا می‌شود با تمام بند و بیلش (با تکمیلی و تبعی یابی تکمیلی و تبعی) ثانیاً اگر یک کیفر تکمیلی و تبعی داریم که به عنوان مجازات اصلی در غیر اشد مقرر شده است همه آنها با اشد اجرا خواهند شد. (تکمیلی در ماده ۲۳ و تبعی در ماده ۲۶ ق.م.ا. بیان شده است.)

مثلاً یکی از تکمیلی‌ها منع اصدار چک است که در قانون چک، کیفر اصلی نیز هست مثلاً جرم اصلی پولشویی درجه ۲ می‌باشد و یک درجه ۶ یا ۷ داریم که منع اصدار چک دارد یا مثلاً تبعی محرومیت از حقوق اجتماعی مثلاً ماده ۵۷۰ تعزیرات که محرومیت را مجازات اصلی می‌نامد؛ نیز چنین است.

حال در مثال پولشویی هم مجازات اصلی و تکمیلی و تبعیش اجرا می‌شود و هم تکمیلی‌ها و تبعی‌های غیر اشد که به عنوان مجازات اصلی ذکر شده‌اند.

***نکته:** و این جا منظور از تکمیلی و تبعی همه ی غیر اشد هاست نه صرفاً اشد بعدی. (بند ح ماده ۱۲).

مقایسه مواد ۱۳۷ قانون کاهش^۱ و ۱۳۷ ق.م.ا. (۱۳۹۲)^۲:

*صدر ماده درباره جرم پایه به جای درجه ۶ شده است درجه ۵ یعنی درجات ۱ تا ۵ (به جای ۱ تا ۶) پس قانون کاهش در این مورد ، کاهش یافته است.

*تکرار جرم یعنی ارتکاب جرم جدید بعد از محکومیت قطعی کیفری.

*قلمرو تکرار جرم : تعزیرات ۱ تا ۶ که سال ۹۲ هم جرم پایه و هم جرم پیرو تعزیرات درجه ۱ تا ۶ بودند که الآن در ۹۹ جرم پایه شده محکومیت ۱ تا ۵ و جرم بعدی ۱ تا ۶.

^۱ ماده ۱۳۷ (اصلاحی مطابق ماده ۱۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری):

هر کس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش گردد، حداقل مجازات جرم ارتكابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند.

^۲ ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲:

هر کس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود.

قواعد تکرار جرم در سه دسته از جرایم اعمال نمی شود: (ماده ۱۳۸^۱)

۱- جرایم سیاسی: زیرا این دسته از افراد انگیزه شرافتمندانه دارند و خطرناک و ضد اجتماعی نمی باشند.

۲- جرایم مطبوعاتی: این دسته از جرایم در قانون سال ۹۲ اضافه گردیده است.

۳- جرایم اطفال.

تکرار در جرایم حدی:

تکرار جرم در جرایم حدی، اعدام در بار چهارم (ماده ۱۳۶) است. سال ۱۳۷۰، برخی از جرایم برای بار سوم اعدام داشت مانند شرب خمر و برخی در مرتبه چهارم مثل سرقت که در ۹۲ تمام حدود در مرتبه ۴ ام، اعدام داشت.

قبل از انقلاب اختلاف بود که این جرم شامل غیر عمدی هم هست یا صرفاً عمدی؟

رأی وحدت رویه ۱۳۵۵ در تاریخ ۵۵/۱۱/۲۰ رأی شماره ۲۵ است که می گوید تکرار مربوط است به جرایم عمدی چون اصلاً در جرایم غیر عمدی ما تبعی نداریم و منطقی هم نیست که مثلاً تصادف رانندگی را مشمول تکرار بدانیم؛ در نتیجه صرفاً ناظر است به عمدی و این شبهه در قانون کاهش، کاملاً حل شده است با ذکر عبارت «جرائم عمدی».

ابتدای تکرار جرم چه زمانی است؟:

مطابق قانون جاری؛ از تاریخ قطعیت حکم می باشد. این مورد در طول تاریخ قانونی، دارای تغییراتی بوده است یعنی اینکه:

- در سال ۵۲ در مواد ۲۵ و ۲۶ گفته بود «قطعیت حکم»؛

- و در سال ۱۳۰۴ می گفت «از تاریخ اتمام مجازات»؛

- و در قانون سال ۶۱ گفت «بعد از اجرای حکم»؛

- و در سال ۷۰ هم مثل سال ۶۱ گفته شده بود «بعد از اجرای حکم»

- و در سال ۹۲ نیز مانند سال ۵۲ گفته بود «بعد از قطعیت حکم»

^۱ ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی: «مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال اعمال نمی شود.»

سوال: چرا قانون گفت بعد از قطعیت و مشکل بعد از اجرا چه بود؟

جواب: زیرا هنگامی که مجرم در زندان و در حال تحمل مجازات بود، اگر مرتکب جرم جدید می شد نه تکرار جرم محسوب می شد و نه تعدد جرم به علاوه اینکه می خواستند با این کار، زندان ها را آرام کنند.

سوال: جمعاً چند نوع نظر درباره ی ابتدای تکرار داشتیم؟

جواب: مجموعاً ۴ نوع:

۱- بعد از اتمام مدت مجازات.

۲- بعد از قطعیت حکم.

۳- بعد از اجرای حکم.

۴- پس از شروع به اجرای حکم.

انتهای تکرار جرم چه زمانی است؟

انتهای تکرار جرم، تا اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان یعنی اگر اجرا شود، تا اعاده حیثیت و اگر اجرا نشود تا مرور زمان.

سوال جلسه بعد: رابطه شمول تکرار جرم با اعاده حیثیت کدام یک از نسب اربعه می باشد؟

اثر تکرار جرم در قانون ۹۲:

محکومیت به حداکثر تا به علاوه نصف آن (ماده ۱۳۷). پس جرم ۳ تا ۱۰ سال می شد ۱۰ تا ۱۵ سال که الآن می گوئیم از میانگین اقل و اکثر تا حداکثر یعنی ۶/۵ تا ۱۰ سال که دادگاه می تواند تا ۱/۴ اضافه کند پس ۶/۵ تا ۱۲/۵ سال می شود.

تکرار ۵ تا ۱۵ طبق قانون ۹۲ می شود: ۱۵ تا ۲۲/۵ و الآن ۱۰ تا ۱۵ و اختیار افزودن تا ۱/۴ یعنی ۱۰ تا ۱۵
1/4+

نوآوری های ناظر به تکرار جرم:

۱- تصریح به لزوم عمدی بودن جرایم مشمول تکرار.

۲- خارج ساختن محکومیت های قطعی تعزیری درجه ۶ از شمول محکومیت های تکرار ساز و انحصارشان به درجات ۱ تا ۵.

۳- پیش بینی صدور حکم به میانگین اقل و اکثر تا اکثر و اختیار به بیش از حداکثر تا $\frac{1}{4}$ آن.

۴- تکرار و تخفیف: اعمال قواعد تخفیف صرف.

*ممنوعیت تخفیف در تکرار:

اگر ۳ فقره محکومیت قطعی مشمول تکرار داشت در چهارمی دیگر تخفیف نداریم، تخفیف قضایی نداریم و گرنه تخفیف قانونی داریم مثلاً با ۱۰۰ فقره جرم تسلیم به رأی دادگاه شویم که در اینجا دادگاه مکلف است $\frac{1}{4}$ کم کند.

*اگر یکبار تکرار جرم داشتیم از آثار توبه محرومیم (تبصره ۱ ماده ۱۱۵) + (تبصره ۲ ۱۳۹)

ماده ۱۱ قانون کاهش و ۱۰۳ + ماده ۱۰۴ ق.م.ا. مطالعه گردد.

ملاک درجه ۱ تا ۵ بودن کیفر، کیفر قضایی است پس اگر مرتکب ۵ شدید ولی با تخفیف و... شد درجه ۶، دیگر تکرار ساز نیست. (مجازات مقرر در حکم).

^۱ تبصره ۱ ماده ۱۱۵ ق.م.ا.: «تبصره ۱- مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می شود، جاری نمی گردد.»

^۲ تبصره ماده ۱۳۹ ق.م.ا.: «تبصره- چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی شود.»

جسله ششم:

رابطه شمول تکرار جرم با اعاده حیثیت چیست؟

جرایم سیاسی و مطبوعاتی مشمول تکرار جرم نیستند لکن دارای اعاده حیثیت هستند پس رابطه تکرار جرم و اعاده حیثیت می شود عموم و خصوص من وجه. یعنی یک جاهایی تکرار نیست ولی تبعی هم هست مثل جرایم سیاسی و یک جاهایی اعاده هست اما تکرار نیست مثلاً الف محکوم شده است به ۵ سال حبس که در پایان مدت مرور زمان دیگر بعدش مشمول تکرار جرم نمی شود ولی مشمول کیفر تبعی هست و جاهایی هم مشمول تکرار هست ولی تبعی نداریم مثل تمام محکومیت های ۱ تا ۵ پس رابطه بین آنها عموم و خصوص من وجه است.

اگر کسی هم مشمول تکرار شود و هم مشمول تعدد، چطور می شود؟

زمانی که الف محکومیت ۱ تا ۵ دارد و هنوز اعاده حیثیت نشده است و مشمول مرور زمان هم نشده، در صورت ارتکاب تعزیری درجه ۱ تا ۶ مشمول تکرار جرم است حال اگر در این مدت بیش از ۱ جرم مرتکب شود به یک اعتبار می شود تکرار جرم و به یک اعتبار می شود تعدد جرم که اول قواعد تکرار را اعمال می کنیم؛ چون جرم اول مشمول تکرار است، دوم و سوم نیز همین طور.

یعنی کیفرشان دیگر از حداقل تا حداکثر نیست بلکه از میانگین تا اکثر است. حال اگر بخواهیم تعدد را اعمال کنیم، جرم الف که ۱ تا ۳ سال حبس داشت به اعتبار تکرار می شود ۲ تا ۳ سال و جرم دوم که ۳ تا ۱۰ سال است می شود ۶/۵ تا ۱۰. حال تعدد را بر اساس کیفر های جدید اعمال می کنیم؛ چون که جرم اول قبل از شمول تعدد، مشمول تکرار شده است و جرایم بعدی نیز همین طور. (پس اول قواعد تکرار سپس تعدد)

اصل اولیه در جرایم:

اصل اولیه در جرایم، غیر قابل گذشت بودن است؛ چون جرم به جامعه ضربه می زند و ارزش هارا ساقط می نماید.

قانون ایران در جرایم قابل گذشت هم شروع تعقیب را به شاکی وابسته کرده است و هم خاتمه و پایان یافتن تعقیب و مجازات را در حالیکه در برخی از کشورها، به غیر از قابل گذشت و غیر قابل گذشت، نوع سومی از جرایم را دارند که شروع رسیدگی شان با شاکی بوده و منوط به شکایت و پیگیری است ولی ادامه و پیگردشان با قانون است و دادگاه. مثلاً اهانت به کارمند دولت، جاداشت در این دسته قرار بگیرد.

در سال ۱۳۷۵ در ماده ۷۲۷ همین نوع جرایم را داشتیم. یعنی شکایت، آغازگر تعقیب بود ولی ادامه با دادگاه بود و رضایت شاکی تنها عامل تخفیف میشد.

*نکته: هیچ جرمی نیست که جنبه عمومی نداشته باشد حتی جرایم قابل گذشت مثل توهین نیز دارای آثار اجتماعی و جنبه عمومی هر چند کمرنگ هستند.

وجوه تمایز و تشابه موارد زیر چیست؟

(رضایت-گذشت) (رضایت-اذن) (رضایت-اجازه) (گذشت-اذن) (گذشت-اجازه) (اذن-اجازه) (عفو-رضایت) (عفو-گذشت) (عفو-اجازه) (عفو-اذن)

چرا مقنن برخی از جرایم را قابل گذشت دانسته است؟

- ۱- در برخی جرایم جنبه عمومی ضعیف و جنبه خصوصی پررنگ تر است.
- ۲- قرابت و فامیلی و خویشاوندی: قسمت پایانی ماده ۵۹۶ تعزیرات^۱ که تا سال ۱۳۹۹ صرفاً همان قسمت آخر قابل گذشت بود ولی اکنون کل ماده ۵۹۶ قابل گذشت است. در ماده ۵۹۶ بیشتر بودن مجازات فامیلی به خاطر این است که «وای به روزی که بگندد نمک!»
- ۳- ترویج فرهنگ صلح و سازش در جامعه.
- ۴- پرداختن قانون، دادگاه و زندان به جرایم خطیر تر.
- ۵- صرفه جویی در وقت و هزینه و کاهش جمعیت زندان.

بری تعیین قابل گذشت بودن، توسل به احصاء بهتر است یا بیان ضابطه؟

احصاء برای قاضی بهتر است ولی برای متهمان، ضابطه بهتر است که حداقل کور سوی امیدی داشته باشند. مقنن در ماده ۱۰۳ ق.م.ا. آضابطه را گفته و در ۱۰۴ نیز احصاء کرده است که جمعش می شود اینکه وقتی در ۱۰۴ مواد ق.م.ا. را احصاء کرده است، پس دیگر نمی توانیم از ضابطه در ق.م.ا. استفاده کنیم ولی کلی قوانین داریک که در ۱۰۳ یک ضابطه کلی برای جرایم خارج از قانون مجازات آورده است پس ۱۰۳ منصرف است به جرایم مندرج در سایر قوانین.

ماده ۱۰۳ حتماً از ق.م.ا. منصرف است چون در غیر اینصورت ماده ۱۰۴ (احصاء) لغو و بیهوده محسوب میشود.

^۱ ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی: «هر کس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوائج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیر تجاری از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصاحساب و یا هر گونه نوشته‌ای که موجب التزام وی یا برائت ذمه گیرنده سند یا هر شخص دیگر میشود بهر نحو تحصیل نماید علاوه بر جبران خسارت مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم میشود و اگر مرتکب ولایت یا وصایت یا قیمومیت بر آن شخص داشته باشد، مجازات وی علاوه بر جبران خسارت مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود.»

^۲ ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی: «چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیرقابل گذشت محسوب می شود مگر اینکه از حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد.»

پیش از انقلاب تمام جرایم اخلاقی، قابل گذشت و تمام جرایم مالی، غیرقابل گذشت بودند جز چک و تخریب که پس از انقلاب تمام آن اخلاقی ها شدند حق الهی و غیر قابل گذشت و تمام مالی ها شدند حق الناسی و قابل گذشت اما آرام آرام کلاهبرداری و سرقت و مالی ها کم کم بوسیله رأی وحدت رویه یا قانون شدند غیر قابل گذشت. البته در قانون کاهش، برخی کلاهبرداری و سرقت ها شدند قابل گذشت که جلوتر ذکر می شود. به دلیل همین ازدیاد جرایم غیرقابل گذشت مقنن در ۱۰۳ قانون مجازات، ضابطه آورده است پس عملکرد مقنن شد:

*در قانون مجازات اسلامی = صرفاً احصاء (ماده ۱۰۴ ق.م.ا.)^۱

*در سایر قوانین = احصاء در همان قانون + ضابطه ماده ۱۰۳ ق.م.ا.

^۱ ماده ۱۰۴ اصلاحی ۹۹ ق.م.ا.: «علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حدّ قذف این قانون و جرائمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می باشند، جرائم مندرج در مواد (۵۳۶)، (۵۹۶)، (۶۰۸)، (۶۰۹)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۱)، (۶۴۷)، (۶۴۸)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۳)، (۶۷۴)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰) در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد، (۶۹۲)، (۶۹۳)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹)، (۷۰۰)، (۷۱۶)، (۷۱۷) و (۷۴۴) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ و جرائم انتقال مال غیر و کلاهبرداری موضوع ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده (۳۶) این قانون بیشتر نباشد و نیز کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می شود در صورت داشتن بزه دیده و سرقت موضوع مواد (۶۵۶)، (۶۵۷)، (۶۶۱) و (۶۶۵) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ به شرطی که ارزش مال مورد سرقت بیش از دو بیست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال نباشد و سارق فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد و شروع و معاونت در تمام جرائم مزبور، همچنین کلیه جرائم تعزیری درجه پنج و پایین تر ارتكابی توسط افراد زیر هجده سال در صورت داشتن بزه دیده، مشمول تبصره (۱) ماده (۱۰۰) این قانون و ماده (۱۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ بوده و قابل گذشت است. (اصلاحی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

تبصره - حداقل و حداکثر مجازات های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می یابد. (الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳).

جلسه هفتم:

طبق ماده ۱۰۳ ق.م.ا. چنانچه در کل عناوین مجرمانه قانون ایران، جرمی شرعاً قابل گذشت و حق الناسی باشد، قابل گذشت محسوب می شود؛ حال آنکه در قوانینی که مقنن مواد و جرایم قابل گذشت را احصاء کرده و در متن ماده به آن اشاره کرده است (مثلاً چک) دیگر استناد به ماده ۱۰۳ موجه نیست و باید ۱۰۳ را محدود به قوانینی بدانیم که در آن ها حرفی از احصاء و قابل گذشت بودن زده نشده است. (مثلاً برخی قوانین صنفی).

نوآوری های قانون کاهش:

۱- افزودن به قلمرو (افزایش تعداد قابل گذشت ها)

۲- کاستن مجازات (صرفاً کاهش حبس)

جرایم افزوده شده به قابل گذشت ها:

* جعل ساده (ماده ۵۳۶ تعزیرات^۱): این جرم به شدت اعتماد عمومی را سلب می کند و ای کاش که این جرم، قابل گذشت محسوب نمی شد حتی قبل قانون ۹۲، جعل غیرقابل تعلیق بود. پس این مورد به نظر اشتباه و خلاف حکمت است. حال سوال این جا است که اگر جعل قابل گذشت است، پس چرا ۵۳۸ تعزیرات^۲ (جعل گواهی پزشکی) قابل گذشت نیست؟

* اخذ سند از غیررشید هم قابل گذشت شده است. (کل ماده) درحالیکه بهتر بود از افراد صغیر و محجور و غیررشید حمایت بیشتری به عمل می آمد. (موضوع ماده ۵۹۶ تعزیرات^۳)

* توهین به کارکنان دولت که به نظر ما نباید قابل گذشت می شد، به دلیل لطمه به جایگاه کارمند در دولت و قابل پذیرش نیست. (موضوع ماده ۶۰۹ تعزیرات^۴)

^۱ ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی: «هر کس در اسناد یا نوشته های غیر رسمی جعل یا تزویر کند یا با علم به جعل و تزویر آنها را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

^۲ ماده ۵۳۸ قانون مجازات اسلامی: «هر کس شخصاً یا توسط دیگری برای معافیت خود یا شخص دیگری از خدمت دولت یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به به دادگاه گواهی پزشکی به اسم طبیب جعل کند به حبس از شش ماه تا یکسال یا به سه تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

^۳ ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی: «هر کس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوائج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیر تجاری از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصاحساب و یا هر گونه نوشته ای که موجب التزام وی یا براثت ذمه گیرنده سند یا هر شخص دیگر میشود بهر نحو تحصیل نماید علاوه بر جبران خسارت مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم میشود و اگر مرتکب ولایت یا وصایت یا قیمومیت بر آن شخص داشته باشد، مجازات وی علاوه بر جبران خسارت مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود.»

^۴ ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی: «هر کس با توجه به سمت، یکی از روسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهوری یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی و شهرداری ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود.»

*مزاحمت تلفنی (موضوع ماده ۶۴۱)

*تدلیس در نکاح (موضوع ماده ۶۴۷)

*استفاده از سفید مهر و خیانت در امانت هم بهتر بود که قابل گذشت نباشد؛ چون که به امانت داری در جامعه آسیب می رساند. (موضوع مواد ۶۷۳ و ۶۷۴)

*تصرف یا مزاحمت یا ممانعت عدوانی مجدد که قابل پذیرش است. (موضوع ماده ۶۹۳)

*رانندگی منجر به وضع حمل و صدمات بدنی که با مسامحه پذیرفته می شود. (موضوع مواد ۷۱۶ و ۷۱۷)

*هتک حیثیت رایانه ای (موضوع ماده ۷۴۴)

*سرقت دارای یک جهت تشدید (موضوع ماده ۶۵۶)

در بند ۱ ماده ۶۵۶^۱ محل سکنی یعنی منزل قابل سکونت و توابع یعنی مثلاً پارکینگ کنار خانه یا آغل گوسفندان.

*کیف زنی و جیب زنی (سرقت با تردستی) (موضوع ماده ۶۵۷)

*سرقت ساده (موضوع ماده ۶۶۱)

*ماده ۶۶۵ که مصداق جالبی در آراء دارد و مشروط به این است که مال مسروقه تا ۲۰ میلیون تومان باشد +طرف سابقه کیفری مؤثر نداشته باشد.

*کلاهبرداری با نصاب ماده ۳۶ یعنی ۱۰۰ میلیون تومان و داشتن بزه‌دیده و انتقال مال غیر و سایر جرائم در حکم کلاهبرداری به شرط داشتن بزه‌دیده شروع به این‌ها و پائین تر از آنها درجات ۵-۶-۷-۸ توسط افراد زیر ۱۸ سال در صورت داشتن بزه‌دیده.

^۱ ماده ۶۵۶ قانون مجازات اسلامی: «در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد و مقرون به یکی از شرایط زیر باشد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴)ضربه شلاق محکوم می‌شود:

۱ - سرقت در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا در توابع آن یا در محل‌های عمومی از قبیل مسجد و حمام و غیر اینها واقع شده باشد.

۲ - سرقت در جایی واقع شده باشد که به واسطه درخت و یا بوته یا پرچین یا نرده محرز بوده و سارق حرز را شکسته باشد.

۳ - در صورتی که سرقت در شب واقع شده باشد.

۴ - سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.

۵ - سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده یا مال دیگری را در منزل مخدوم خود یا منزل دیگری که به اتفاق مخدوم به آن جا رفته یا شاگرد یا کارگر بوده و یا در محلی که معمولاً محل کار وی بوده از قبیل خانه، دکان، کارگاه، کارخانه و انبار سرقت نموده باشد.

۶ - هر گاه اداره‌کنندگان هتل و مسافرخانه و کاروانسرا و کاروان و بطور کلی کسانی که به اقتضای شغل اموالی در دسترس آنان است تمام یا قسمتی از آن را مورد دستبرد قرار دهند.»

سوال: در ماده ۱۱ قانون کاهش ، نصاب مقرر در ماده ۳۶ یعنی ۱۰۰ میلیون تومان ، ناظر به کدام موارد است؟

ناظر است به انتقال مال غیر و کلاهبرداری ، پس عبارت «به شرطی که مبلغ آن از حدنصاب مقرر در ماده ۳۶...» صرفاً به قبل برمی گردد و به بعد از آن (جرائم در حکم کلاهبرداری) قطعاً بر نمی گردد.

چونکه مقنن اگر می خواست ، می توانست عبارت را پس از جرایم بیاورد که نیآورده است. در واقع انتقال مال غیر نیز نوعی کلاهبرداری است در حکمش ولی چون مقنن می خواسته است این نصاب ۳۶ شاملش شود ، آن را پائین عبارت نیآورده است بلکه قبلاًش آورده تا شاملش بشود.

سوال: آیا کلاهبرداری های رایانه ای مشمول ماده ۱۱ ق. کاهش هست یا خیر؟

رویه دلش می خواهد که بگوید بله و نظریه مشورتی هم همین طور ؛ اما طبق نظر ما قطعاً خیر چون گفته کلاهبرداری موضوع ماده ۱ ق. تشدید + اینکه کلاهبرداری رایانه ای نه در حکم کلاهبرداری است و نه صرفاً مجازات کلاهبرداری دارد که بتوان آن را مشمول ذیل ماده دانست بلکه مستقلاً جرم انگاری شده است. (موضوع ماده ۷۴۱) پس نه مشمول صدر است (خروج از ماده ۱) و نه مشمول ذیل ماده. و صرفاً کلاهبرداری محسوب می شود هم نیست چون واقعاً کلاهبرداری است ؛ «محسوب می شود» مثل انتقال مال غیر.

پس چونکه کلاهبرداری رایانه ای از ماده خارج است ، غیرقابل گذشت است. برخی از جرایم ، ماهیتاً کلاهبرداری هستند ولی اسماً نیستند که کما فی السابق غیرقابل گذشت باقی می مانند مگر آنکه مشمول ضابطه ۱۰۳ بشوند مثلاً قانون بیمه اجباری ماده ۶۲ که ماهیتاً کلاهبرداری است ولی اسماً خیر.

سوال: به شرط داشتن بزه دیده در ماده ۱۱ ق. کاهش یعنی چه و چه مواردی را خارج و چه مواردی را داخل می کند؟

جلسه هشتم:

مطابق ماده ۳۰ قانون مجازات سال ۱۳۷۰، کلاهبرداری حتی قابل تعلیق نبود که در قانون سال ۱۳۹۲، قابل تعلیق شد و در سال ۱۳۹۹ قابل گذشت شد. (البته با یک سری شرایط خاص)

در قانون سال ۹۲ طبق ماده ۴۷، کلاهبرداری تا ۱۰ میلیون تومان قابل تعلیق شد و در سال ۹۹ به کلی به هر مبلغی قابل تعلیق حتی با درجه ۳ و با ۱۵ سال.

سوال: حال در صورت داشتن بزه دیده یعنی چی؟

ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ می گوید که بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم، متحمل ضرر و زیان می شود؛ به نظر می رسد که مقنن می خواسته است بگوید که اگر این جرائم بزه دیده خصوصی داشتند، قابل گذشت هستند.

فرض کنید که فردی سر دولت را کلاه گذاشته است مثلاً به مبلغ هزار تومان ولی قابل گذشت نیست و اینجا مقامی برای دادن رضایت کامل نداریم چون بزه دیده خاصی متصور نیست. فرض کنید که دولت مناقصه برگزار می کند برای ساخت راه آن و فلان شرکت با جعل سند موفق به برنده شدن در مناقصه می شود که این جرم کلاهبرداری بوده و غیر قابل گذشت است. (به علت عدم وجود بزه دیده خصوصی)

سرقت هایی که قابل گذشت شدند، البته با دو شرط:

سرقت ۶۵۶ = سرقت با یک عامل تشدید

سرقت ۶۵۷ = کیف قاپی و جیب زنی

سرقت ۶۶۱ = سرقت ساده

سرقت ۶۶۵ = یافتن مصداق آن سخت است مثلاً ربایش مال ولی به قصد برگرداندن نه به قصد محروم سازی دائمی.

۲ شرط لازم است:

۱- ارزش مال مسروقه بیش از ۲۰ میلیون تومان نباشد.

۲- سارق فاقد سابقه کیفری مؤثر باشد.

^۱ ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکي» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می شود.»

سوال: چنانچه در جرایم مشهود، ضابطین ببینند که شخصی در حال ربایش دو چرخه یا موتور هست، تکلیف چیست؟

تبصره ماده ۹۹ ق.آ.د.ک. ^۱ چنانچه جرم کشف شده از جرایمی باشد که با شکایت شاکی قابل تعقیب است، مراتب در صورت امکان توسط دادستانی به نحو مقتضی به اطلاع بزه دیده می رسد. پس ضابط آن شخص را دستگیر می کند و پس از بررسی و اقدامات اولیه در دادسرا و تلاش دادستان برای شناسایی صاحب مال، اگر صاحب مال نداشت یا صاحب مال شکایت نکرد که هیچ ولی در صورت شکایت، حالا متهم می رود برای قرار وثیقه یا بقیه مراحل رسیدگی و در صورت عدم شکایت یا پیدا نشدن صاحب مال، متهم را به امان خدا رها می کنند!

سوال: در ماده ۱۱ شروع و معاونت در جرایم مزبور آیا با رعایت آن شرایط است یا مطلقاً مثلاً شروع به کلاهبرداری با ۱۰۰ میلیون تومان و داشتن بزه دیده مد نظر است یا به صورت مطلق؟ یا مثلاً سرقت شروعش مطلقه یا با حدنصاب ۲۰ میلیون تومان و عدم محکومیت کیفری مؤثر مد نظر است؟ مثلاً الف معاونت کرده است در دو جا: در یک جا سارق اصلی سابقه محکومیت کیفری مؤثر دارد و دیگری نه سابقه دارد و نه مال بیشتر از ۲۰ میلیون تومان است؛ حال تکلیف چیست؟

جواب: این شرایط مربوط به شروع و معاونت هم هست. چون قانون گفته است در شرایط زیر و جرایم مزبور و در واقع معاونت و شروع در این سرقت یا کلاهبرداری است و ماده نیز صراحت دارد. اگر مقنن قصد دیگری داشت می بایست تصریح می کرد و چون آن را نگفته و صرفاً گفته است که در جرایم مزبور، پس شروط بعدی برای شروع به جرم و معاونت هم نیز هست. در واقع معاونت، همه چیزش عاریه ای است و شروع به جرم هم همین طور وابسته است.

منظور از عبارت «داشتن بزه دیده» درباره افراد زیر ۱۸ سال نیز همان داشتن بزه دیده خصوصی است (همان استدلال سابق).

طبق تبصره ماده ۱۱ قانون کاهش حداقل و حداکثر حبس درجه ۴ تا ۸ قابل گذشت نصف می شود. مثلاً در چک ماده ۷ بوده تا ۶ ماه حبس و الآن نیز می شود تا ۳ ماه حبس یا مثلاً ۶ ماه تا ۱ سال می شود ۳ ماه تا ۶ ماه حبس (فقط حبس) و این باعث شده است در خیلی از مجازات ها که هم جزای نقدی و هم حبس از یک درجه باشند، الآن جدا شوند و مثلاً جزای نقدی بشود درجه ۵ و حبس بشود درجه ۶ (مثلاً).

^۱ تبصره ماده ۹۹ ق.آ.د.ک.: «تبصره- چنانچه جرم کشف شده از جرائمی باشد که با شکایت شاکی قابل تعقیب است، مراتب در صورت امکان، توسط دادستان به نحو مقتضی به اطلاع بزه دیده می رسد.»

سوال مهم: مطابق بند ۱ ماده ۶۸۴ قانون مجازات حبس تعزیری، ماده ۶۸۴^۱ به درجه ۶ تبدیل شده است یعنی ۶ ماه تا ۲ سال حال آیا این ماده و مواد مشابه، آیا بازهم مشمول تبصره ۱۱ قرار می گیرند یا خیر؟

قطعاً تبصره ۱۱ شامل ماده ۶۸۴ نمی شود و دوباره تخفیف داده نمی شود و نصف نمی شود. (استدلال در جلسات بعدی)

جلسه نهم:

تقلیل مقدار و میزان مجازات در ماده ۱ قانون کاهش.

ماده ۶۱۴ تعزیرات برای جنبه عمومی ضرب و جرح است که قبلاً بوده ۲ تا ۵ سال یعنی درجه ۶ که مطابق بند الف ماده ۱ الان شده است درجه ۶ که تبصره آن (۶۱۴): ۳ ماه تا ۱ سال است (درجه ۶) که بدون تغییر باقی مانده است چرا که مقنن خواسته است در خصوص جرح چاقویی بیشتر از یکسال حبس، تعیین نکنیم و اگر تبصره را استثناء نمیزد، میشد تا ۲ سال ولی گفته بیش از ۱ سال برای تبصره نمی توانیم حبس تعیین کنیم.

سوال: ۵ واکنش که به ایراد ضرب و جرح عمدی در قانون وجود دارد، چیست؟

۱- قصاص مشروط به وجود ۱۱ شرط مندرج در ماده ۳۹۳.

۲- اگر بیم کج روی و اخلال باشد زندان، ۶۱۴ یعنی درجه ۶.

۳- ایراد جرح با چاقو (تبصره ۶۱۴).

۴- اگر سبب زوال منافع و اخلال در امنیت نباشد و مشمول ۶۱۴ هم نباشد، فقط دیه.

۵- اگر ضرب و جرح هیچ آثاری را به جای نگذارد، ضمان ندارد ولی حبس یا شلاق تعزیری درجه ۷ به استناد ماده ۵۶۷ ق.م.ا. دارا می باشد.

^۱ ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی: «هر کس محصول دیگری را بچراند یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تزییع آن بشود یا آسیاب دیگری را از استفاده بیاندازد به حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می شود.»

بررسی مجازات آدم ربایی:

مجازات آدم ربایی وفق ماده ۶۲۱ تعزیرات ، ۵ تا ۱۵ سال حبس یعنی درجه ۳ بود که مقنن اکنون در برخی از حالات ۱ و در برخی ۲ درجه تخفیف داده که قابل قبول نیست.

باعنف و تهدید= درجه ۴.

بدون عنف و تهدید=درجه ۵.

چه آدم ربایی و چه مخفی کردن و گروگان گیری. اغفال غیر از عنف است و می شود درجه ۵.

طبق ماده ۶۲۱ در ۳ صورت مجازات حداکثر را می دهیم: ۱-سن ۲-وسیله نقلیه ۳-آسیب

سوال: آیا این سن ۱۵ سال ، شمسی است یا قمری؟

جواب: در رابطه با موضوع سن و سال ، هر جا که مقنن تصریح کرده بود که شمسی یا قمری است ، که تمام و احتیاج به فحص نیست ولی در صورتی که نگفته بود ، اگر موضوع ، حکم شرعی است ، مبنای محاسبه ما سال قمری می باشد و چنانچه موضوع غیر شرعی است ، مبنای محاسبه ما ، سال شمسی است.

مثلاً درباره ی مجازات محاربه ، چون جرم محاربه یک جرم شرعی است ، ملاک ما محاسبه سال قمری است ولی در مورد جرم آدم ربایی (ماده ۶۲۱) ملاک محاسبه ما، سال شمسی است.(سال قمری تقریباً ۱۱ روز از شمسی کوتاه تر است.)

سوال: دوچرخه وسیله نقلیه است یا خیر؟ گاری چطور؟ آیا این موارد باعث حداکثر می شوند؟

جواب: صرفاً وسیله نقلیه موتوری منظور است به دلیل فلسفه ماده در آدم ربایی ، جابجایی مکانی موضوعیت دارد که بازهم مسئله مهمی است.

سوال: در ۳ حالتی که در ماده گفته است ، حکم به حداکثر میزان مجازات ، آیا می توان به حداکثر هم تخفیف داد؟

جواب: بله. اینکه می گوید حداکثر یعنی کیفر قانونی اش این می باشد ولی امکان تخفیف هم وجود دارد. طبق بند ب ماده ۱ قانون کاهش ، در ۲ حالت درجه ۴ و یک حالت درجه ۵ می شود.

سوال: در ۳ حالت وسیله ، سن و آسیب ، چه جایگاهی دارد حالا؟

جواب: باز هم درجه ۴ و ۵ ، هر دو ساده و مشدد دارند و در صورت وجود یکی از این ۳ حالت می شود اشد درجه ۴ یا اشد درجه ۵.

پس با عنف و تهدید = درجه ۴ } یکی از آن ۳ شرط = حداکثر ۴
بدون آن شروط = حداقل ۴

بدون عنف و تهدید = درجه ۵ } یکی از آن شروط = حداکثر ۵
بدون آن ها = حداقل ۵

سوال: با اینکه مقنن در آخرین ماده قانون کاهش، با یک قاعده کلی گفته است که مجازات شروع های خاص منسوخ است، حال چرا در بند پ ماده ۱ به صورت مجزا در مورد آدم ربایی گفته است؟

جواب: وقتی که مقنن در یک ماده مستقل راجع به یک ماده قانون تغییری می دهد، فرض بر این است که تمام اراده خود راجع به آن ماده را باید تصریح کند. پس وقتی که مقنن درباره ماده ۶۸۴ در ماده ۱ گفته یعنی آخرین اراده اش همان است، پس مجازات ۶۸۴ دیگر با ماده ۱۱ قانون کاهش، کمتر نمی شود.

سوال جلسه بعد: آدم ربایی قبلاً درجه ۳ و در صلاحیت کیفری ۱ بوده است که الآن شده است درجه ۴ و ۵ و در صلاحیت کیفری ۲ می باشد؛ زمانی که قانون کاهش آمده نسبت به آدم ربایی هایی که قبلاً اتفاق افتاده است ولی هنوز تعقیب نشده، کدام دادگاه صالح است؟ نسبت به پرونده هایی که تعقیب آغاز شده و رفته است به کیفری ۱، آیا صالح به ادامه است یا می بایست عدم صلاحیت صادر کند؟

جلسه دهم:

جواب سوال جلسه قبل: ماده ۱۱ قانون مجازات^۱ می گوید که فوراً اجرا می شود ناظر به صلاحیت های ذاتی است؛ اما در این مثال دادگاه با توجه به صلاحیت ذاتی پرونده را شروع کرده و ثبت شده و الآن نمی تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند و باید ادامه دهد به استناد تبصره ۳ ماده ۲۹۶ ق.آ.د.ک.^۲

^۱ ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی: «قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجراء می شود:

الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضائی و صلاحیت

ب- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم

پ- قوانین مربوط به شیوه دادرسی

ت- قوانین مربوط به مرور زمان

تبصره - در صورتی که در مورد بند(ب) حکم قطعی صادر شده باشد، پرونده برای بررسی به دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می شود.»

^۲ تبصره ۳ ماده ۲۹۶ ق.آ.د.ک.: «دادگاههای کیفری استان و عمومی جزائی موجود به ترتیب به دادگاههای کیفری یک و دو تبدیل می شوند. جرائمی که تا تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون در دادگاه ثبت شده است، از نظر صلاحیت رسیدگی تابع مقررات زمان ثبت است و سایر مقررات رسیدگی طبق این قانون در همان شعب مرتبط انجام می شود. این تبصره در مورد دادگاه انقلاب و دادگاههای نظامی نیز جاری است.»

سوال: حال اگر دادگاه کیفری یک، رأی را صادر کرد، مرجع تجدید نظر کجاست؟

جواب: محکومیت های تا درجه ۳، قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور هستند، ولی اینجا که درجه ۳ نیست، پس می شود تجدید نظر استان.

سوال: پرونده ای قبلاً رسیدگی شده است در زمان قانون سابق که رأی را دادگاه کیفری یک صادر کرده است و در دیوان هم فرجام خواهی شده است، حال طبق ماده ۱۰ ق.م.ا. تقاضای اصلاح رأی قطعی شده است، دادگاه صالح برای اصلاح کجاست؟

جواب: خود دادگاه کیفری یک صالح است.

درباره ی آدم ربایی موضوع ماده ۶۲۱، صرفاً مجازاتش کم شده است درحالیکه بقیه احکامش مثلاً تأثیر سن و آسیب و وسیله به حداکثر، ثابت مانده است.

بررسی جرم تخریب:

حبس ۶۷۷ تا ۱۰ میلیون تومان از حبس درجه ۵ شده است جزای نقدی تا ۲ برابر. در اینجا ۳ حالت متصور است:

۱- معلوم است که خسارت بیشتر است.

۲- معلوم است که خسارت کمتر است.

۳- میزان خسارت معلوم نیست.

سوال: اگر یقین داریم مبلغ تخریب بیش از ۱۰ میلیون است، مثلاً ۳۰ میلیون است، عطف به ماسبق می شود یا خیر؟

جواب: از این بابت که از درجه ۵ طبق قانون کاهش شده است نسبی (درجه ۷) خیر ولی از این بابت که مجازات حبس جرائم قابل گذشت نصف شده است بله. پس ۶ ماه تا ۳ سال می شود = ۳ ماه تا ۱/۵ سال.

^۱ ماده ۶۷۷ ق.م.ا.: «هر کس عمداً اشیاء منقول و یا غیر منقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

حال اگر حبس بیش از ۱/۵ سال را دادند بدون تردید ماده ۱۰ اعمال می شود اما کمتر از ۱/۵ سال به نظر وجهی برای عطف نیست لکن برخی نیز می گویند شاید قاضی خواسته است میانه مجازات را بدهد، پس باز هم عطف می شود چون که میانه مجازات جدید می شود ۱۰/۵ ماه نه میانه مطابق قانون ۹۲.

اگر میزان تخریب قطعاً کمتر از ۱۰ میلیون بود، بدون شک عطف بماسبق و اصلاح می شود اما مثلاً جایی که معلوم نیست مبلغ تخریب چقدر بوده است و مجرم الآن زندان است، واحد اجرای احکام باید تقاضای اصلاح کند و این تقاضا به دادگاه می رود و ملاحظه اولیه انجام می شود و اگر مشخص شد که شد در غیر اینصورت باید قانون اصلاحی را اعمال کند به استناد اصل عدم زیاده که اصل بر عدم زیادی از ۱۰ میلیون است.

در ماده ۱۰ قانون کاهش، مجازات توهین شده است جزای نقدی درجه ۶ که طبق مصوبه هیأت وزیران می شود تا ۲۴ میلیون ریال که قبلاً شلاق داشته است تا ۷۴ ضربه (درجه ۶) و جزای نقدی تا ۱ میلیون ریال (درجه ۸).

حال کسی که توهین کرده است طبق قانون جدید، شلاق ندارد و کسی که قبلاً توهین کرده، آیا الآن می توانیم به شلاق او را محکوم کنیم؟

جواب: خیر. پس می شود جزای نقدی که قبلاً درجه ۸ بوده است ولی جزای نقدی الآن درجه ۶ است، حال می توانیم به جای جزای نقدی درجه ۶، شلاق درجه ۶ بدهیم؟

جواب: در این مثال، شلاق نمی توانیم بزنیم، چون که این مجازات نسخ شده است و چون جرم در زمان حاکمیت قانون سال ۱۳۹۲ بوده است، پس اراده مقنن بر جزای نقدی درجه ۸ است یعنی حق مکتسب برای مجرم.

بررسی جرم افتراء:

افتراء، جرم موضوع ماده ۶۹۷ ق.م.ا. است.^۱ قبلاً بوده است ۱ ماه تا ۱ سال که الآن نشده ۱۵ روز تا ۶ ماه (درجه ۷) بلکه مطابق بند ج ماده ۱ قانون کاهش شده است جزای نقدی درجه ۶. اگر قبلاً شلاق درجه ۶ دادیم، الآن می توانیم جزای نقدی درجه ۶ بدهیم اما اگر حبس درجه ۷ دادیم و محکومیت قطعی شده است، اصلاً به جزای درجه ۶ تبدیل نمی شود و عطف بماسبق نمی گردد؛ چونکه درجه ۶ شدید تر است از درجه ۷، حتی اگر درجه ۶ جزا باشد و ۷ حبس ولی اگر حبس ۶ دادیم، فوراً می شود جزای نقدی درجه ۶.

^۱ ماده ۶۹۷ ق.م.ا.: «هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد. تبصره - در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.»

طبق تبصره ماده ۱۱، حبس قابل گذشت ۴ تا ۸ = نصف می شود هم حداقل هم حداکثر. مثلاً ۱ سال تا ۴ سال می شود = ۶ ماه تا ۲ سال.

مکلف شدن محاکم به حداقل مجازات و بالا بردن مجازات صرفاً با ذکر علت.

جلسه یازدهم:

تعلیق در لغت یعنی معلق کردن، آویزان کردن، وابسته کردن چیزی به چیز دیگر و در حقوق کیفری ۲ جلوه دارد:

۱- تعلیق تعقیب.

۲- تعلیق اجرای مجازات.

فلسفه تعلیق این است که وقتی می توانیم با اتخاذ تدابیری به هدف اجرای مجازات (اصلاح متهم) برسیم، دیگر مجازات کردن سودی ندارد.

در سال ۱۳۹۲ در قانون مجازات، قانونگذار در بحث تعلیق، اوج گشاده دستی را به خرج داده است. مثلاً سال ۴۶، حبس تا ۱ سال قابل تعلیق بود لکن الان تا ۱۵ سال. مثلاً قبلاً تعلیق در حالت تعدد، ممکن نبود اما الان هست و قبلاً صرفاً در آغاز بود لکن الان پس از گذراندن یک سوم ($\frac{1}{3}$) مجازات نیز قابل انجام است.

قلمرو تعلیق:

- تعمیری درجه ۳ تا ۸ جز در: ۱- تعزیرات منصوص شرعی.
- ۲- موارد ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی.^۱
- ۳- موارد خاص غیرمنسوخه مثل ماده ۱۰ قانون چک.^۲
- ۴- موارد مسبوق به تعویق لغو شده. (تبصره ماده ۴۴)^۳
- ۵- جرائم اطفال (ماده ۹۴ ق.م.ا. مصوب ۹۲) چون که این اقدامات، تأمین است و غیرقابل تعلیق (در واقع اجراش واجب است).^۴

مدت تعلیق: ۱ تا ۵ سال است جز در موارد خاص.

زمان تعلیق: همان ابتدا (ماده ۴۶) یا پس از صدور حکم (ماده ۴۹)^۵

سوال: عبارت «پس از صدور حکم» در ماده ۴۹ ق.م.ا. ناظر به چیست؟ یعنی این پس از صدور حکم، مطلق است یا منظور همان پس از $\frac{1}{3}$ می باشد؟

جواب: مطلق است؛ چون اگر این عبارت ناظر به $\frac{1}{3}$ باشد، دچار لغو شده ایم و ماده ۴۶ گفته بود $\frac{1}{3}$ پس ماده ۴۹ موضوع جدیدی است یعنی دادگاه پس از صدور حکم هم می تواند تعلیق نماید حتی پیش از تحمل $\frac{1}{3}$ مجازات.

^۱ ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی: «صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تاسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات

ب- جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم‌ربایی و اسیدپاشی

پ- قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا

ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روانگردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان

ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض

ج- جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال.»

^۲ ماده ۱۰ قانون صدور چک: «هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید عمل وی در حکم صدور چک بی محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیرقابل تعلیق خواهد بود.»

^۳ تبصره ماده ۴۴ ق.م.ا.: «تبصره- در صورت الغای قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ممنوع است.»

^۴ ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی: «دادگاه می تواند در مورد تمام جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.»

^۵ ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی: «در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.»

^۶ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی: «قرار تعلیق اجرای مجازات به وسیله دادگاه ضمن حکم محکومیت یا پس از صدور آن صادر می گردد. کسی که اجرای حکم مجازات وی به طور کلی معلق شده است، اگر در بازداشت باشد فوری آزاد می گردد.»

شرایط تعلیق = شرایط تعویق

- ۱- وجود جهات تخفیف.
- ۲- پیش بینی اصلاح مرتکب.
- ۳- جبران ضرر.
- ۴- فقدان سابقه کیفری موثر
- ۵- حضوری بودن (ماده ۴۰)

*موارد ممنوعه تعلیق ، از ماده ۳۰ آمده به ۴۷.

تغییرات ماده ۴۷ در قانون کاهش حبس تعزیری ۹۹:

طبق ماده ۷ در امنیتی ها در صورت همکاری مرتکب ، بخشی از مجازات قابل تعلیق است (فقط ۱۰٪).
تواند قاضی) برای اولین بار در ایران ، امنیتی ها قابل تعلیق شده اند. (البته بخشی از آن)
تمام جرایم علیه عفت عمومی به جز مواد ۶۳۹ و ۶۴۰ ، قابل تعلیق شده اند. البته صرفاً جرایم تعزیراتی.
همچنین تمام جرایم کلاهبرداری ، در حکم و مجازات قابل تعلیق شوند ؛ درحالیکه در قانون سال ۱۳۷۰ ، کلاهبرداری غیرقابل تعلیق بود.

سال ۱۳۷۰ ← کلاهبرداری کلاً غیرقابل تعلیق بوده است.

سال ۱۳۹۲ ← کلاهبرداری بالای ۱۰ میلیون تومان کلاً غیرقابل تعلیق بوده است.

سال ۱۳۹۹ ← هم کلاهبرداری هم در حکم و هم به مجازات آن : قابل تعلیق.

سوال: در ماده ۷ قانون کاهش ، آیا تعلیق شروع به جرایم امنیتی نیز معلق است به همکاری موثر یا خیر؟ و در شروع هم امکان تعلیق بخشی است یا کل مجازات؟

جواب: در شروع ، کل مجازات قابل تعلیق است و قید خاصی نداریم و نیز همکاری موثر در تعلیق شروع ، شرط نیست و این قید را نداریم.

فرجام تعلیق:

در صورت تخلف = بار اول : ۱ تا ۲ سال اضافه یا لغو ،

بار بعدی: لغو تعلیق بر اساس ماده ۵۰.

لفظ «می تواند» در این ماده یعنی مخیر است یا تعلیق را لغو کند یا اضافه نماید پس نمی تواند هیچ اقدامی نکند.

سوال : در ماده ۵۲ ق.م.ا. آیا محکومیت از سجل کیفری محو می شود یا خیر؟

جواب: قطعاً محو نمی شود در واقع تا سال ۹۲ خاصیت تعلیق این بود که در پایان تعلیق از سجل کیفری محو می شد لکن الآن محو نمی شود و تمام آنهایی که اثر تبعی ندارد در حال حاضر محو نمی شود بلکه در سجل کیفری می ماند اما منعکس نمی شود. (تبصره ۱ ماده ۲۵).

لغو قرار تعلیق:

ماده ۵۴ ق.م.ا. راجع به لغو قرار تعلیق صحبت می کند.^۱

نکته مهم : زمان انجام تخلف از تعلیق، طبق ماده ۵۰ در مدت تعلیق است اما زمان ارتکاب جرم طبق ماده ۵۴ از صدور قرار تا پایان مدت تعلیق است و در ماده ۵۴ دادگاهی که قرار تعلیق را لغو می کند، دادگاه دوم است (در حالیکه دادگاه اول تعلیق داده است) و توجیه این خدشه داشتن استقلال دادگاه برای رفع اطاله دادرسی است و دستور اجرای مجازات معلق را به دادستانی صادر می کند که در معیت دادگاه نخست می باشد.

اثر صدور قرار تعلیق:

۱- آزادی مرتکب (ماده ۴۹ ق.م.ا.)

۲- عدم تأثیر در حق مدعی خصوصی (ماده ۵۱ ق.م.ا.)

سوال مهم: طبق ماده ۹۴ ق.م.ا. تمام جرایم قابل تعلیق، برای نوجوانان قابل تعلیق است یا تمامی جرایم (حتی استثنائات ماده ۴۷)؟

نظر اول: تمامی جرایم حتی ماده ۴۷.

نظر دوم: تمامی جرایم به استثناء ماده ۴۷.

نظر مشهور: تمام جرایم تعزیری: درباره ی نوجوانان هیچ استثنایی نداریم.

نظر استاد: در نوجوانان، جرایمی که قابلیت تعلیق دارند، فقط درجه اش مهم نیست و رویه هم رفته به سمت تمام جرایم تعزیری.

^۱ ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی:

«هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می کند. دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق به طور صریح به محکوم اعلام می کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم فوق شود، علاوه بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجراء می شود.»

سوالات جلسه آینده:

- ۱- در مدت تعلیق آیا شخص از حقوق اجتماعی محروم است یا خیر؟
- ۲- آیا در مدت تعلیق، مشمول مقررات تکرار جرم هم می شود یا خیر؟
- ۳- در مدت تعلیق اگر از ما گواهی سوء پیشینه بخواهند، می نویسیم فاقد یا دارای سوء پیشینه؟

جلسه دوازدهم:

پاسخ به سوالات بالا در کلاس مطرح نشد ولی استاد فرمودند که امکان طرح این سوالات در امتحان زیاد است.

توسعه و تسهیل در اعمال جایگزین های حبس:

تسری لزوم اعمال جایگزین های حبس به حبس های تخفیف یافته به کمتر از ۹۱ روز = تبصره ماده ۶ قانون کاهش^۱ + ماده ۶۷ قانون مجازات اسلامی.^۲

پس بین ۶ ماه تا ۱ سال از موارد اعمال اختیاری جایگزین هاست و در قانون سال ۹۲، اگر شرایط ماده ۶۶ باشد، می شود ممنوع.

قبلاً برای جایگزین حبس دادن بیشترین سقفش مطابق ماده ۶۷، یکسال حبس بود(مجازات قانونی) بحث بود که اگر مجازات تخفیف یابد به کمتر از آن، مشمول نمی شود چون ممنوع است در تبصره ۶ قانون کاهش گفت اگر شد کمتر از ۹۱ روز حبس = الزام به دادن جایگزین.

تعامل تبصره ماده ۳۷ و ماده ۶۷ چیزی نیست جز «تخصیص».

تخصیص از دو جهت است:

۱- اگر بیش از ۱ سال باشد و در دادگاه تقلیل پیدا کند به زیر ۳ ماه و ۱ روز، در این مورد دادن جایگزین، الزامی شده است.

۲- قبلاً حبس ۶ ماه تا ۱ سال را با شرایطی می توانستیم جایگزین بدهیم اما اگر تخفیف یافت به کمتر از ۳ ماه و ۱ روز، جایگزین دادن، الزامی می شود. (ماده ۷۳ قانون مجازات اسلامی.^۳)

^۱ تبصره ماده ۶ قانون کاهش(۳۷ اصلاحی): «تبصره- چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می یابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می شود.»

^۲ ماده ۶۷ قانون مجازات اسلامی: «دادگاه می تواند مرتکبان جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یکسال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند، در صورت وجود شرایط ماده(۶۶) این قانون اعمال مجازاتهای جایگزین حبس ممنوع است.»

^۳ ماده ۷۳ قانون مجازات اسلامی: «در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید.»

سوال: تا چند سال حبس و چه درجه ای ممکن است بشود الزامی برای جایگزین دادن؟

جواب: درجه ۴ و ۵ و ۶ یعنی حتی گاهی تا ۱۰ سال را قاضی باید جایگزین بدهد؛ حبس درجه ۴ در صورت وجود کیفیات مخففه، قاضی می تواند مطابق بند الف ماده ۳۷ اصلاحی (۹۹) تا ۳ درجه تخفیف دهد که می شود درجه ۷، سپس قاضی حکم می دهد به ۴ ماه (درجه ۷) سپس مجرم تسلیم به رأی می شود و تا 1/4 الزاماً کم می شود که آنگاه می شود زیر ۹۱ روز، پس طبق تبصره الحاقی ۳۷، دادن جایگزین در اینجا الزامی می شود.

در تبصره ماده ۳۷ اصلاحی ۹۹، عبارت «سایر مقررات» منظور مثلاً همان تسلیم به رأی است. (موضوع ماده ۴۴۲ قانون آئین دادرسی کیفری^۱) پس وقتی درجه ۴ الزامی شد، به طریق اولی درجات ۵ و ۶ نیز می شود.

ارتباط این بحث با ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی:

هرجا که جایگزین می دهیم، دادگاه حتماً باید مدت حبس را معین کند تا در صورت بروز شرایط خاص ماده ۷۰، آن حبس اجرا گردد.

عبارت «تبدیل می شود» در تبصره ماده ۳۷، از روی بی دقتی و مسامحه است و منظورش این است که جایگزین اعمال می شود، پس ماده ۷۰ نسخ نشده است.

***تغییر و کاستن از مانعیت تعدد جرم عمدی در ارتباط با اعمال جایگزین های حبس از:**

{کیفر حداقل یکی از جرایم بیش از ۶ ماه باشد} به {کیفر حداقل یکی از جرایم، بیش از ۱ سال باشد}.

مواردی که نمی توان جایگزین حبس داد:

*در جرایم امنیتی، مطلقاً نمی توان جایگزین حبس داد. (ماده ۷۱ ق.م.ا.آ.)

*در تعدد عمدی که یکی شان بیش از یک سال حبس داشته باشد نیز همین طور است. (ماده ۱۰ قانون کاهش)

^۱ ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «در تمام محکومیت های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدید نظر نکرده باشد، محکوم علیه می تواند پیش از پایان مهلت تجدید نظر خواهی با رجوع به دادگاه صادر کننده حکم، حق تجدید نظر خواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدید نظر را مسترد نماید و تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت، دادگاه در وقت فوق العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می کند. این حکم دادگاه قطعی است.»

^۲ ماده ۷۰ قانون مجازات اسلامی: «دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می کند تا در صورت تعدد اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجراء شود.»

^۳ ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی: «اعمال مجازاتهای جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است.»

چرایی توسل به جایگزین های حبس:

- ۱- تورم قوانین مبتنی بر استفاده از کیفر حبس.
- ۲- آثار منفی غیرقابل انکار حبس بر فرد و جامعه.
- ۳- مضرات و آثار سوء حبس های کوتاه مدت.

گونه های کاربست جایگزین حبس در قانون:

۱- به عنوان کیفر اصلی در راستای ضابطه مند شدن تعیین کیفر در قبال جرایم تعزیری فاقد مجازات معین. (ماده ۶۹ ق.م.ا.)^۱

مثلاً ماده ۲۸ قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ که گفته بود تعزیر می شود (بدون معین کردن میزان و کیفیت) که اینگونه موارد به مرور کمتر شدند و نوع و میزان تعزیر در قوانین، مشخص و ثابت گردید.

اما در حال حاضر ماده ۶۹ مصادیق محدودی دارد مثلاً:

ماده ۴۳ آیین نامه دادرسی ها و دادگاههای ویژه روحانیت ۱۳۶۹.

سوال: جاهایی که جایگزین حبس، کیفر اصلی است، مقدارش چه اندازه ای می باشد؟

جواب: بند ب ماده ۸۳ دوره مراقبتش می شود ۶ ماه تا ۱ سال و همین طور بند ب ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ پس مصادیق ۶۹ را آوردیم در بند ب ماده ۸۳.

۲- مصادیق قابل اعمال جایگزین های حبس: تنها ۵ مجازات مقرر در ماده ۶۴ ق.م.ا.:

دوره مراقبت - خدمات عمومی رایگان - جزای نقدی - نقدی روزانه - محرومیت از حقوق اجتماعی.

از این ۵ مورد، حداکثر ۲ عنوان را می توانیم مطابق ماده ۶۴ ق.م.ا. بدهیم که البته الآن محرومیت از حقوق اجتماعی را نمی توان داد چون که مقدار و نوعش در قانون مشخص نشده است. (مواد ۸۳ تا ۸۶) پس برخی از آرای صادر شده در این زمینه غلط و خارج از قانون است مثل اینکه به مجرم حکم کردن فلان مقدار درخت یا ماسک بخر یا فلان مقدار نهال بخر و بکار یا مثلاً به زلزله زده ها کمک کن، در حالیکه این موارد را نباید مجرم از جیبش هزینه کند و مثلاً باید نهال بخریم و مجرم فقط بکارد. یا مثلاً برایش جارو بخریم و بگوییم که فلان خیابان را به مدت ۶ ماه تمیز کن.

^۱ ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی: «مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند.»

جلسه سیزدهم:

شیوه اعمال جایگزین های حبس:

جز در خصوص ماده ۶۹ ق.م.ا. در کلیه موارد ، ابتدا باید مدت مجازات حبس در حکم تعیین گردد سپس حکم جایگزین داده شود(ماده ۷۰). پس تعارضی بین مواد ۶۵ و ۷۰ نیست.

شرایط قانونی اعمال جایگزین های حبس:

۱-گذشت شاکی خصوصی.(ماده ۶۴)

۲-وجود جهات مخففه (ماده ۶۴)

۳-فقدان تعدد در جرایم عمدی (ماده ۷۲)

۴-امنیتی نبودن جرم (ماده ۷۱)

۵-عدم قطعیت حکم قبل از تصویب این قانون (ماده ۷۴)

در لایحه پیشنهادی این قانون اصلاً اسمی از گذشت شاکی نبود، لکن بعد از اجرا، دیدند که در اکثر جاها گذشت شاکی نیست پس این موضوعات بی فایده است فلذا با رأی وحدت رویه ۷۴۶ گفته شد که ۲ شرط گذشت شاکی و وجود جهات مخففه در موارد الزامی جایگزین ها، قابلیت اجرایی ندارد پس این ۲ شرط لازم در این موارد ، لازم الرعایه نیست.

خاص بودن نهاد های ارفاقی یا تشدید در جایگزین های حبس:

مجازات های جایگزین تابع نهاد های ارفاقی خاص هستند و تشدید آن ها نیز تابع قواعد عمومی نیست (ماده ۷۷) پس تخفیف آنها (ماده ۸۰)، تشدید (ماده ۸۱) تأخیر، تعلیق، تبدیل (ماده ۸۲ و تبصره ۴ ماده ۸۴) در ماده ۷۷ منظور از مجازات ، مجازات جایگزین حبس می باشد چون مجازات های اصلی دارای قواعد خاص خودشان هستند.

نکات تخفیف:

تنها جهت = ظاهر شدن اصلاح محکوم علیه در پرتو رعایت مفاد حکم دادگاه.

اعمال = اختیاری

^۱ ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی: «مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند.»

مراتب = صرفاً یک مرتبه

قلمرو = تقلیل تا نصف باقی مانده

مستند = ماده ۸۰ ق.م.ا.

در صورت وجود یا پیدایش جهات مخففه، دادگاه می تواند تنها میزان حبس مورد حکم را تقلیل داده یا حسب مورد تبدیل کند. مثلاً حکم به حبس و جایگزین داریم، لکن الان شاکی گذشت نماید. (ماده ۴۸۳) به اعتبار گذشت، الآن باید کیفر حبس را تقلیل یا تبدیل نماییم. پس تأثیری در جایگزین ها نخواهد داشت و جایگزین ها را فقط در حین تحمل اگر صلاح را احراز کنیم، می توان جایگزین را تخفیف داد.

تشدید جایگزین ها:

تنها جهت = تخلف محکوم علیه از مفاد حکم یا دستورات دادگاه

اعمال = الزامی

مراتب = فقط در مرتبه اول تخلف

تکرار تخلف = اجرایی شدن حبس بدون احتساب میزان جایگزین اعمال شده

مستند = ماده ۸۱ ق.م.ا.

ارتکاب جرم جدید در مدت اعمال جایگزین ها با هر درجه ای به جایگزین ها لطمه می زند! (این مورد را از سکوت قانونگذار برداشت می کنیم)

توقف موقت و تأخیر در اجرای جایگزین ها:

تنها جهت = مواجه شدن با مانع قانون

اعمال = الزامی

مدت تأخیر = نامشخص مگر آنکه عرفاً عنوان تعذر پیدا کند، شمول ماده ۷۰،

مستند = ماده ۸۲

شرایط تعلیق:

تنها موضوع قابل اعمال = در انجام خدمات عمومی

جهت = ملاحظه وضع جسمانی، روانی و خانوادگی

اعمال = الزامی {یا تقلیل یا تبدیل = الزامی}

مدت تعلیق = حداکثر تا ۳ ماه در طول دوره

مستند = تبصره ۴ ماده ۸۴.

این تعلیق در واقع صرفاً نوعی تأخیر است و بعدش اجرا می گردد.

تبدیل جایگزین های حبس:

چگونگی اعمال = خلأ تقنینی

مستندات = مواد ۷۷، ۸۴ تبصره ۴ و ماده ۱۲ آئین نامه ۷۹

جهت = غیرقابل اجرا شدن یک جایگزین

تکلیف محاکم = کاربرست تبدیل در جهت تشدید کیفر دارای وجاهت نیست لکن در جهت مساعدت، مانعی ندارد.

آغاز اعمال جایگزین های حبس:

مجازات های جایگزین به مثابه حبس نیست و احکام آن را ندارد. در نتیجه شروع به اجرای آن به منزله آغاز حبس نیست لذا مشمول ماده ۲۵۱ ق.آ.د.ک. نمی شود تا با شروع قرار تأمین لغو بشود + اعمال ماده ۵۵۴ (اخذ تأمین توسط قاضی اجرای احکام)

امکان دادن کیفر تکمیلی با مجازات های جایگزین حبس:

مطابق ماده ۸۷ ق.م.ا. امکان حکم به یک یا چند کیفر تکمیلی از مصادیق ۲۳ و ۲۶ ق.م.ا. همراه با مجازات جایگزین حبس وجود دارد البته با ملاحظه متن و تبصره های ماده ۲۳ پس اگر خود مجازات جایگزین از نوع محرومیت باشد، کیفر تکمیلی نمی تواند از آن نوع باشد. (ماده ۸۷)

ممکن است حبس درجه ۸ باشد، ولی محرومیت درجه ۷ پس ماده ۸۷ به نظر سخت گیری است.

جلسه چهاردهم:

در نهاد های ارفاقی آیا رضایت مجرم ، شرط و لازم است یا خیر؟

اصل بر این است که رضایت مجرم برای نهاد های ارفاقی شرط نیست چون این نهاد ها حق نیست که وی بخواهد از آنها صرف نظر بکند، بلکه حکم است لکن استثنائاً در برخی از موارد، مقنن رضایت محکوم را شرط دانسته است.

مطابق قانون، رضایت مجرم در اصل یا نوع جایگزین های حبس، جایگاهی ندارد جز در انجام خدمات عام المنفعه پس سایر جایگزین های حبس را می توان بدون رضایت مجرم بر وی بار کرد. در خصوص انجام خدمات عام المنفعه ۲ فرض زیر مطرح است:

- ۱- مجرم با اصل این نوع جایگزین، موافق نیست پس دادگاه می تواند از اقسام دیگر استفاده نماید.
 - ۲- مجرم پس از موافقت با اصل یا در اثنای انجام کار از نوع خدمت محوله، راضی نیست که در این صورت، مجازات حبس به اجرا در می آید. (تبصره ۳ ماده ۸۴) همچنین نمی توان حکم به بیش از یک ختم داد.
- در بند «د» ماده ۲۳ داریم الزام به خدمات عمومی که نحوه اجرایش در تبصره ۳ ماده ۲۳ محول شده است به آیین نامه که آنجا هم ارجاع داده به یک آیین نامه دیگر لکن نهایتاً بار خدمات عمومی را به رضایت مجرم وابسته کرده است پس در خدمات عمومی همیشه نیاز به رضایت محکوم است.

در تبصره ۳ ماده ۸۴ عبارت «عدم رضایت محکوم» منظور رضایت اولیه است یا ثانویه؟

قطعاً عدم رضایت ثانویه منظور است. در این تبصره عبارت انتهایی آن یعنی مورد حکم واقع شدن، صحیح نیست چون قاضی مکلف است حبس را حکم کند و جایگزین را نیز حکم کند لکن در صورت تعذر اجرای جایگزین، حبس اجرا می گردد صرفاً... نه اینکه به آن حکم شود (مطابق ماده ۷۰ ق.م.ا.). این تعبیر در واقع مسامحه و اشتباه لغوی است.

صور اعمال جایگزین های حبس:

- اعمال مطلق = ۱ مورد،
- اعمال الزامی = ۴ مورد،
- اعمال الزامی مشروط = ۱ مورد،
- اعمال اختیاری = ۲ مورد،
- غیرقابل اعمال = ۳ مورد.

***اعمال مطلق:** اعمال مطلق که هیچ جایگزین و برگشتی ندارد: کلیه مصادیق فعلی یا آتی ماده ۶۹.

مقدارش: مطابق بند ب ماده ۸۳.

***اعمال الزامی:**

۱- ارتکاب جرم عمدی با حداکثر مجازات قانونی ۳ ماه حبس (ماده ۶۵) در واقع در ۶۵ هم تعبیر «به جای حبس» غلط است چون هم حبس را می دهیم هم جایگزین را، فقط در اجرا به سراغ جایگزین می رویم.

در این مورد، ۱ اعمال قانون وصول، ممکن نیست جز در تخلف رانندگی. یعنی در حبس های تا ۳ ماه باید و باید جایگزین حبس داد و اعمال قانون وصول ممکن نیست جز در جرایم رانندگی.

۲- اعمال تخفیف مجازات که به کمتر از ۹۱ روز رسیده با تخفیف فارغ از درجه جرم، (تبصره الحاقی ماده ۳۷ قانون کاهش) (ماده ۷۳)

۳- ارتکاب جرم عمدی که حداقل آن کمتر از ۹۱ روز باشد و دادگاه دلیلی بر افزایش حبس و بیشتر دادن مجازات از حداقل نداشته باشد (مثلاً حبس ۲ ماه تا ۲ سال) چون حداقل مجازات خودش زیر ۳ ماه است پس به طریق اولی دادن جایگزین، الزامی است.

۴- ارتکاب جرم غیرعمدی با حداکثر مجازات قانونی ۲ سال حبس (صدر ماده ۶۸).

***اعمال الزامی مشروط:**

ارتکاب جرم عمدی موضوع ماده ۶۶ با مجازات قانونی ۳ ماه و ۱ روز تا ۶ ماه حبس با رعایت شرایط مندرج در این ماده (ماده ۶۶).

***اعمال اختیاری مجازات جایگزین:**

۱- ارتکاب جرم عمدی ماده ۶۷ با حداکثر مجازات ۱ سال حبس مشروط به:

الف- عدم اعمال تخفیف مجازات و شمول تبصره الحاقی ۳۷ که در آن صورت الزامی می شود.

ب- فقدان شرایط ذیل ماده ۶۶ که در آن صورت می شود ممنوع.

۲- ارتکاب جرم غیرعمدی با بیش از ۲ سال حبس موضوع ذیل ماده ۶۸ مشروط به عدم اعمال تخفیف مجازات و شمول تبصره الحاقی ۳۷ که در آن صورت الزامی می شود.

***موارد غیرقابل اعمال جایگزین:**

کلیه موارد ممنوعه که عبارتند از نظیر:

۱- جرایم امنیتی (۷۱)

۲- جرایم مشمول تعدد (با شرایط ماده ۷۲)

۳- جرایم با بیش از ۱ سال حبس البته بدون اعمال تخفیف مشروط بر آنکه حداقل کیفرشان تا ۳ ماه حبس نباشد و یا اگر باشد ، به آن حکم ندهیم.

با آمدن قانون جایگزین های حبس آیا قانون وصول به قوت خود باقی است؟

ابتدا قرار بود که وقتی جایگزین های حبس آمد ، بگویند قانون وصول منسوخ است اما چونکه آیین نامه آن نیامده بود ، این موضوع تصویب نشد که در نهایت پس از اجرا که مشاهده شد جایگزین ها گاهی سخت گیرانه است رویه گفت که وصول هم همچنان جریان دارد و طبق نظریات مشورتی هر ۲ لازم الاجرا شدند. حال گاهی موارد مخصوص جایگزین هاست و نمی توان از وصول استفاده کرد.

***موارد خاص جایگزین های حبس:**

در کلیه جرایم با حبس تا ۳ ماه ، جز در جرایم رانندگی ، مطابق ماده ۱۵ قانون کاهش.

***موارد مختص قانون وصول:**

تمام مواردی که اعمال جایگزین ها ممنوع است مثل امنیتی و تعدد و جاهایی که شرایط جایگزین را نداریم اگر شرایط قانون وصول را داشته باشیم به آن رجوع می کنیم.

*در سایر موارد: اعمال هر ۲ قانون وصول و جایگزین در عرض هم.

این جزوه برگرفته از تقریرات کلاسی دکتر عبدالعلی توجهی ، در کلاس حقوق جزای عمومی تحلیلی در دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری دادگستری با موضوع «بررسی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب سال ۱۳۹۹» می باشد که در نیم سال اول تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ به رشته تحریر در آمده است.

نویسنده : علیرضا فرمانی

تایپ: عرفان ریاسی ، امیرحسین شبانی

التماس دعا